

زادروز ولادت حضرت زینب (ع) روحانیان زمان مبارک

در ۵ جمادی الاول سال ۵ هـ. ق فرزندی دیگر پای به جهان گذارد تا مکتبی باشد برای کانون ناب توحیدی و انقلابی علی، کاسی که تکعناصرش هر یک سمبل اند و مظهر اند و اسوه: علی، فاطمه، حسن، حسین و سرانجام زینب مطهر.

شیرزنی که کاری حرمسارزه باندتها وانحرافات سراغ بدتاش. زینب "ع" در اوج ظلمت و نهایت ستم و تاریکی، چراغ راه شد و پیام آور خون شهیدان عاشورا گردید.

سالروز ولادتش را مبارک و کرامی داریم.



سید جمال آغاز گرمبارزه ضداستعماری در شرق

در صفحه ۱۲

نشریه جنبش مسلمانان مبارز

دوشنبه ۱۸ اسفند سال دوم شماره ۹۹

بهاه ۲۰ ریال

کدام جنگ، کدام صلح؟

امریکا در جستجوی صلحی است که ننگ سازش را برای انقلاب بهمهراه داشته باشد، صلحی که باعث یاس و سرخوردگی مردم مبارز ایران و مستضعفان جهان از انقلاب اسلامی ایران شود و موقعیت رژیم های وابسته نظیر اردن و عربستان و شیخ نشینها که در طول جنگ علیرغم مخالفت ملت های مسلمان از هیچگونه کمکی به رژیم عراق خودداری نکردند، تثبیت نماید.

با ورود هیئت منتخب کنگران طائف به ایران و آمدن او اسامها میان بغداد و تهران، قضیه صلح و پایان جنگ به مراحل جدی تری قدم گذاشت. مسلمانان از میان مردم کسی نیست که از صلح بطور کلی بدش بیاید و دعوت همه انبیا و اولیا هم به صلح و آشتی و وحدت و برادری بوده است. اما آنان طالب هر نوع صلح و آرامشی نبودند، تنها صلحی را می پذیرفتند که با عدالت و برادری همراه باشد. صلح و جنگ مفاهیم ارزشهای مطلق نیستند که با بکلی بد و یا بکلی خوب باشند، یا در همه جا و هموقت بد و در همه جا و هموقت خوب باشند - بلکه ارزشهایی نسبی میباشند. خوبی یا بدی، منفعت و یا زیانشان را باید با معیارهای دیگری سنجید. صلح خوب و صلح بد داریم، چنانکه جنگ خوب و جنگ بد هم داریم. ما پیروان مکتب اسلام نمی توانیم از هر نوع صلح و یا از هر جنگی حمایت کنیم، صلح عادلانه را می پذیریم و جنگ عادلانه را استقبال کرده و پذیرا هستیم. معیار اساسی در اسلام برای ارزشیابی اموری نسبی چون جنگ و صلح، همان عدالت و آزادی و قرب به خداست. اگر آزادی و عدالت جز با جنگ بدست نیاید و موانع راه خدا جز با جنگ از میان برداشته شوند، لحظه ای تردید از بدست گرفتن سلاح انگار مسئولیت انسان در قبال خالق و خلق است و اگر در صلحی پیروزی حق و کسب آزادی و برقراری عدل و برداشتن موانع راه خدا باشد، سر باز زدن از آن نشانه انحراف و کجنگری است. پس ما با صلح به مسئولیت مکتبی مان طرفدار جنگ و صلح عادلانه و آزادی بخش هستیم.

با این معیارهای مکتبی باید درباره صلح یا ادامه جنگ صحبت کرد. تردید نداریم که ابتکار صلح و پیشقدمی در این راه از جانب سردمداران کنگران طائف بوده است. البته در جهان خیلی ها خواهان ترک مخاصمه و قطع جنگ و آذمکنی هستند اما از جریانات و دولتهایی که مستقیماً در این ماجرا ذینفع و یا دخالت دارند، اینطور بنظر میرسد که دولتهای وابسته در منطقه مثل عربستان و پاکستان بیش از دیگران نسبت به صلح علاقه بخرج میدهند. ما نمی توانیم با توجه به ماهیت این دولتهای کنگران طائف، علاقه امریکا و دول امپریالیستی و نیز حکومت بعث عراق را با آنها همراه ندانیم.

برای آنکه نظری قاطع و روشن درباره چگونگی ادامه جنگ یا برقراری صلح داد، باید موضوع از دو بعد بررسی شود. یکطرف انگیزه دشمن را برای صلح بشناسیم و یکطرف دیگر که اهمیت اساسی تری دارد، اهداف و مصالح انقلاب و مردم را در آن مورد ارزیابی قرار دهیم و ببینیم ما از چه راه میتوانیم انقلاب را از شکست و توقف مصون نگاهداریم و به هدفهایی که از ابتدا اعلام کرده ایم و بخاطر آنها هزاران شهید و ضایعات بسیار تحمل کرده ایم، چگونه و از چه راه نزدیک می شویم. برای ما اصل هدف است که همان نفی و نابودی استکبار و ظلم و استعمار و برقراری عدل و آزادی و اشاعه توحید و رهائی مستضعفان است و جنگ و صلح تنها وسیله هستند و به نسبت

بقیه در صفحه ۲



حیله های سرمایه داران در تجارت خارجی

سرمایه داران به اصطلاح مؤمن!! و حامیان قشری آنها با ایجاد سازمان اقتصاد با اصطلاح اسلامی، سعی بر آن دارند که بتدریج تجارت خارجی را به انحصار خود در آورده و از این طریق امکان عملکرد منابع جریانات را نیز محدود نمایند و با سرعی نشان دادن این گونه تجارت، راه چپاول خلق و نفوذ تدریجی امپریالیسم را باز گذارند.

اقتصادی آنها را به زیر کنترل کامل خود در آورده، با ایجاد سرمایه داری وابسته در زمینه تجارت خارجی (بورژوازی وابسته تجاری) و صنایع مونتاژ (بورژوازی وابسته صنعتی) منافع ملت های مستضعف را بتاراج بقیه در صفحه ۳

۱- تجارت خارجی و اهداف امپریالیسم

امپریالیسم جهانی با ایجاد رژیم های وابسته در کشورهای جهان سوم، سیستم

تصفیه سپاه پاسداران ارومیه توسط باندهای انحصار طلب

خبر تصفیه بیش از ۲۰۰ نفر از اعضای اصلی و شورای فرماندهی سپاه پاسداران ارومیه در هفته گذشته، و اخراج عناصر رسادی از پاسداران در شهرهای مختلف، همه نیروهای مؤمن به انقلاب و پای بند به مکتب را نگران و متاسف ساخته است. این "تصفیه ها" در ادامه جریان با اصطلاح یکدست سازی نهاد های انقلابی توسط جناح حزب جمهوری و طیف های وابسته به آن صورت می گیرد و هدفش به زیر سلطه در آوردن همه نهادها و اعمال حاکمیت یکپارچه بر سراسر مملکت میباشد.

بقیه در صفحه ۸

عوامل بروز اعتصابات در کارخانه ها و وظایف انقلابی کارگران

اعتصابات و کناره گیری مربوط به بروز اعتصابات و یا زمینه های ایجاد اغتشاش بخصوص در راه های تولیدی و صنعتی می رسد. اخبار و گزارشاتی که حاکی از وجود زمینه های بالقوه بسیاری جهت به تعطیلی کشیده شدن کارخانه ها و توقف تولیدات است. بررسی این مسائل ذهن را متوجه این سوالها میکند که آیا این نیز توطئه دیگری از سوی امپریالیسم است، تا بدنبال جنگ تحمیلی جنبه داخلی را نیز متزلزل سازد و بحرانهای سیاسی - اقتصادی را افزایش دهد؟ و آیا تا چه اندازه این توطئه ادامه خواهد یافت و از نظر امریکا و متحدانش برای حفظ و نگهداری نظام وابسته و اقتصاد متکی به غرب کافی میباشد؟ و نیز عوامل داخلی و جناحهای حاکم در تشدید یا توقف آن چه نقشی دارند و داشته اند؟ و سرانجام نقش کارگران و مردم زحمتکش و مسلمان جامعه چیست؟ پاسخ به هر یک از سئوالهای فوق در بررسی ریشه و زمینه های بروز چنین بحرانها

بقیه در صفحه ۵

کارفرمایان مستکبر به توطئه خود علیه انقلاب ادامه می دهند

اطلاعیه اتحادیه شوراهای اسلامی کارگران کوره پز خانه های تبریز

اتحادیه شوراهای اسلامی کارگران کوره پزخانه های تبریز و حومه با انتشار اعلامیه ای به توطئه های رو به رشد کارفرمایان و صاحبان کوره پزخانه اشاره نمود - تعدادی از این توطئه ها را که بر ضد انقلاب و کارگران زحمتکش کوره پزخانه شکل می گیرد، بر شمرده اند. متن اطلاعیه فوق چنین است:

استکبارا فی الارض و مکرالسی و لایحق - المکرالسی الی اباهل - قرآن کریم (در روی زمین گردنکشی و توطئه کردند - می کنند - و بر طبق قانونهای تغییر - تایید الهی توطئه آنها به خودشان بار می گردد).

ما بیکار در اعلامیه ای تحت عنوان "توطئه" جدید کارفرمایان را افشا کنیم - متذکر شدیم که کارفرمایان دون صفت میخواهند مزایای قانونی کارگران را به بهانه کشیدن روی دستمزد آنان قطع نمایند و اکنون به دنبال همان توطئه

بقیه در صفحه ۵

باتشکیل شوراهای اسلامی دست واسطه ها را کوتاه کنیم

استثمار چند جانبه واسطه ها و بنگاه داران میدان از کشاورزان، کارگران و ...

عدم اجرا و بی گیری قاطع سیاستهای ضد استعماری پس از انقلاب، موجب بقا و رشد مجدد سیستم سرمایه داری وابسته و باقی ماندن واسطه ها در سیستم توزیعی و ادامه غارتگریهای آنها شد. جهت روشن شدن وضعیت و نقش استثمارگرانه واسطه ها و بنگاه داران در سیستم اقتصادی، به شمای از نقش آنان در مورد چگونگی اوضاع میوه و میوه های تره بار در اصفهان می پردازیم.

۱- موقعیت و چگونگی میدانها: میدانهای بهار و شهرداری در غرب اصفهان در خیابان آتشگاه واقع و فاصله آنها تا مرکز شهر (میدان امام) ۳ کیلومتر می باشد. این دو میدان بزرگ شهر که نیاز مردم را برآورده می سازند در سال های ۴۵ - ۴۳ ساخته شده و هر کدام دارای ۱۰۰۰۰ متر مربع و ۷۰ - ۶۵ دهنه مغازه میباشد. مالکین و بنگاه داران میدان بهار

۲- وضعیت کشاورزان: کشاورزان در پی کار طاقت فرسای سالانه، با فراهم آمدن محصول و جمع آوری و تهیه آن، میوه را برای فروش به شهرها می آورند و چون فروش میوه بطور مستقیم و یا از طریق مجاری دولتی برای آنها امکانپذیر نیست، میوه ها را جهت فروش بمیدانین می برند تا بنگاه داران تره بار فروشان برای آنها بفروشند. بنگاه - داران، در میدان با ایفای نقش واسطه میان کشاورزان (فروشنده) و خریداران (مغازه داران و یا مردم)، سود کلانی به جیب می برند. در اثر این نقش، روز بروز استثمار کشاورزان بدست بنگاه داران افزون

بقیه در صفحه ۴

مباحثه ایدئولوژیک دکتر حبیب الله پیمان

مفوله های اساسی مکتب

تضاد و تناقض: اگرچه در ابتدای بحث تفاوت آیندو را توضیح دادیم، اما هنوز برخی موضوع برایشان روشن نشده است و لذا ممکن است تحت تاثیر القایات و یا سفسطه ها قرار گیرند از نظر ما تضاد دو وجه دارد که هر دو وجود دارند یعنی برخلاف تناقض که وجود یکوجه مستلزم نفی وجه دیگر است یعنی اگر رنگی سفید بود سپاه نخواهد بود، میوه معین در یک لحظه (زمان) معین و در روی یک درخت معین یا وجود دارد و یا ندارد نمی شود که در همان زمان و مکان روی همان درخت، آن میوه معین هم باشد و هم نباشد. این مسأله ای بدیهی است.

تضاد مورد بحث ما در چارچوب بینش توحیدی - بقول ملا صدرا، دوامبر وجودی اند، "ان التضاد امران وجودیان" برداشت ما از تضاد با تضاد در دیالکتیک ماتریالیستی هم فرق دارد، ما در

بینش توحیدی، اصالت را به توحید میدهیم نه تضاد، اساس جهان بر وحدت اراده قانون وحدت منشاء و غایب نهاده شده است و سرانجام حرکت و صیرورت جهان بسوی الله، آن هستی مطلق و واحد و مستقل از ذهن است.

بعلاوه تضاد در بینش توحیدی، مقابله دو قوه رو در روی یکدیگر است که هر یک در یک جهت عمل می کنند و با تضاد بین پدیده ها مثل سردی و گرمی، قطب مثبت و قطب منفی، زن و مرد، نور و ظلمت، تفاوت دارد، چون دو وجه تضاد در بینش توحیدی دو امر وجودی اند یعنی هر دو "هستند" بنا بر این نتیجه تحول (سنخ) نفی کامل یکی یا هر دو نیست، تغییر آنهاست. غلبه یکی بر دیگری و پیدایش هویت یا ماهیت تازه ای برای پدیده است بیرون آمدن جوجه از تخم و طفل از رحم، مصادف با "نفی" دو وجه تضاد در جوجه یا طفل نیست، بلکه صیرورت تکاملی پدیده است که در اثر غلبه یک وجه (آزاد کننده) پدیده از صورت پیشین به

بقیه در صفحه ۶

کدام جنگ، کدام صلح؟

بقیة از صفحه ۱

کمی که ما در وصول به هدف و پیروزی می‌کنند، ارزش و اهمیت پیدا میکنند. ما می‌توانیم ند جنگ و نه صلح را دوست داریم نه دشمن می‌داریم، هرگاه این یا آن وسیله ارتقاء و تکامل و پیروزی و رستگاری بودند، بسویان می‌شاییم.

اهداف دشمن از مبارزه

اول: یک بار دیگر انگیزه‌های مهم دشمن را در رو آوردن و اصرار بر مبارزه جنگ بخاطر می‌آوریم؛
۱- تحمیل سازش همان‌طور که جنگ را تحمیل کرد: برای امپریالیسم جهانی در این مرحله هیچ هدفی بالاتر از شکست اسلورد سازش‌ناپذیری انقلاب اسلامی ایران و رهبران امام خمینی نزد خلقهای مستضعف جهان اهمیت ندارد، لذا امریکا در

است که جنگ قدرت هنوز پایانی طولانی دارد و به ابزار و وسایل نیاز است. ولذا اگر قرار به ادامه نبرد باشد، باید بیش از پیش روی نیروهای مردمی و غیرمنظم حساب شود. باضافه در جریان یک جنگ درازمدت که ارتش هم نمی‌تواند از آن برکنار باشد، مناسبات و سازمان درونی ارتش بکلی دگرگون میشود و روحیه و نظم و فرهنگ مردم و انقلاب است، جای روحیه و فرهنگ و مناسبات کنونی را می‌گیرد، و افسران و درجه‌داران و سربازان انقلابی و مومن که توانسته‌اند دوش بدوش مردم و پاسداران در درازمدت به نبرد ادامه دهند جای فرماندهان پیشین را که توان و روحیه و انگیزه کافی برای نبرد طولانی ندارند می‌گیرند و این تحولات هرگز نمی‌تواند

دادن ابتکار میانجی‌گری و برقراری مبارزه بدست کنفرانس طائف، سبب مسروعت پیدا کند و ایران ملتزم به رعایت مصالح آنها شده، از صدور انقلاب به آن ممالک خودداری کند. بعلاوه این نزدیکی و توافق ضمنی، ضربه سختی بر روحیه جنبشهای آزادیبخش این کشورها وارد می‌آورد و موجب انزوا و بی‌بسیار شدن آنها میگردد که البته مقابلاً آثار منفی زیادی در داخل ایران هم دنبال دارد.

جستجوی صلحی است که ننگ سازش را برای انقلاب به‌مهراه داشته باشد، صلحی که باعث یاس و سرخوردگی مردم مبارز ایران و مستضعفان جهان از انقلاب اسلامی ایران شود و موقعیت رژیم‌های وابسته نظیر اردن و عربستان و شیخ‌نشینها که در طول جنگ علیرغم مخالفت ملت‌های مسلمان از هیچگونه کمکي به رژیم عراق خودداری نکرده‌اند تثبیت نماید. برای دشمن بسیار اهمیت دارد که دولتمردان ایران را در پشت میز مذاکره و گفتگو با نمایندگان صدام و سران مرتجع و دست‌نشانده امریکا در منطقه بنشانند و به این وسیله با نجات صدام موقعیت منززل هم‌پیمانان مرتجعش در منطقه را هم استوارتر سازد و سدی در مقابل جنبش رو به رشد خلقهای تحت ستم منطقه ایجاد نماید.

۲- موقعیت داخلی صدام و حزب بعث منززل است زیرا بعد از ماهها جنگ و تحمل تلفات، نتوانسته است منطقی برای توجیه تجاوز و مشروع جلوه‌دادن آن ارائه دهد و پیروزی چشمگیری بیجنگ آورد، در نتیجه تضادهای درونی بین مردم عراق و حکومت و در داخل حکومت عراق بین جناحهای مختلف تشدید گردیده است و بدون تردید ادامه جنگ بی‌حاصل کنونی (در نظر ملت عراق) به سقوط حتمی حکومت بعث یا تجزیه و تلاشی آن منجر می‌گردد و امریکا برای جلوگیری از روی کار آمدن احتمالی یک جریان ضدامپریالیستی و ضد صیونی - و ایسایان اسلامی که معادلات کنونی منطقه را به نفع انقلاب ایران برهم می‌زند، خاتمه جنگ را بطرح تشخیص میدهد.

۳- امریکا متوجه شده است که اگر جنگ ادامه یابد، برای ایران راهی جز اینطور بنظر می‌رسد که دولت‌های وابسته در منطقه مثل عربستان و پاکستان

بیش از دیگران نسبت به صلح علاقه به خرج می‌دهند. ما نمی‌توانیم با توجه به ماهیت این دولت‌ها و کنفرانس طائف، عراق، امریکا و دول امپریالیستی و نیز حکومت بعث عراق را با آنها همراه ندانیم.

قبول استراتژی جنگ درازمدت مردمی وجود ندارد زیرا استراتژی جنگ گلاسیک که رژیم‌جمهور و سران ارتش از آن حمایت می‌کردند، عملاً شکست خورده است و ارتش (و نه ارتشیان) است یک‌حمله پیروزمندرا گلاسیک نتوانسته است یک‌حمله پیروزمندرا سازمان دهد و بازسازی مجدد ارتش با روی کار آوردن عناصر وابسته و مشکوک و در مواردی کودتاچی، تصفیه عناصر آگاه و مبارز و پرسنل انقلابی که حاضر نیستند همان نظام پیشین که حاصلی جز وابستگی ندارد، بازسازی شود، برقراری مجدد دیسیپلین و اطاعت گورگورانه و عدم کارآیی این شیوه‌ها در میدان جنگ، این واقعیت تلخ را نشان میدهد که این همه تلاش برای بازسازی سیستم وابسته پیشین در ارتش نه برای روزهای سخت جنگ که برای ساختن ابزاری قدرتمند در آینده

چرا که مداوم جنگ و مشخص شدن صف بندیها در منطقه باعث افشای هرچه بیشتر رژیمهای مرتجع میگردد و شکاف بین مردم محروم و ستم‌دیده منطقه که حامی انقلاب ایران هستند و رژیم‌های ضد خلقی که با آن مخالفت میکنند، باعث رشد نهضت‌های آزادیبخش میشود.

۵- امپریالیسم متوجه شده است که ادامه جنگ میتواند شرایط داخلی ایران را در جهت تند کردن جریان انقلاب و ضربه بر سرمایه‌داری و فتودالیسم و ارتجاع به پیش ببرد و در اثر اتخاذ سیاستهای اقتصادی خاص، نظام سرمایه‌داری وابسته درهم بشکند و زمینه مساعدی که در این قلمرو و نیز قلمرو سازمانهای اداری و لشکری برای بازگشت دارد، از بین برود - بعلاوه خطر نزدیکی ایران را به کشورهای ضدامپریالیست و یا شوروی و اقمارش نیز از

نظر دور نمی‌دارد.
۶- دادن ابتکار میانجی‌گری و برقراری مبارزه بدست کنفرانس طائف، سبب مسروعت پیدا کند و ایران ملتزم به رعایت مصالح آنها شده، از صدور انقلاب به آن ممالک خودداری کند. بعلاوه این نزدیکی و توافق ضمنی، ضربه سختی بر روحیه جنبشهای آزادیبخش این کشورها وارد می‌آورد و موجب انزوا و بی‌بسیار شدن آنها میگردد که البته مقابلاً آثار منفی زیادی در داخل ایران هم دنبال دارد.
۷- صدور نبردی که از آثار منفی که یک سازش احتمالی بر روحیه رزمندگان جان برکفما در جبهه از ارتشی و سپاهی و داوطلب دارد، و در روحیه توده‌های میلیونی فداکار و ایثارگر و شهیدپرور این مرز و بوم صحبت کنیم.
مسلمان بحران اقتصادی رو به وخامتی که دنیای امپریالیسم بویژه امریکا را فرا گرفته است، در علاقه آنان به برقراری صلح برای افزایش صدور نفت به غرب و جلوگیری از بروز تشنج و بحران در منطقه که خواهان‌خواه منافع اقتصادی آنانرا بخاطر می‌اندازد، بی‌تاثیر نبوده و نیست. رویبم رفته‌میتوان گفت اگر امریکا بتواند صلحی را بر ما تحمیل کند، شک نیست که به بسیاری از اهداف خود علیه انقلاب دست یافته است.

شکوفای ساخت، مردم همانند گذشته در نهایت گذشت و فداکاری و اتحاد و همبستگی وارد عمل شدند و هنوز هم که می‌بینیم به مقاومت ادامه می‌دهند، ولی رهبری جنگ تناسب و سختی با مردم و جوهر انقلاب نداشت و بهمین جهت نتوانست آنرا در جهت پیروزی و تداوم و رشد انقلاب هدایت کند و اگر امروز احساس میکنند که نیاز به صلح دارند، نه به آن خاطر است که ملت قادر به ادامه نبرد نیستند و ظرفیت و تحملشان به پایان رسیده، بلکه به آن خاطر که مسئولان، گش مبارزه طولانی ندارند.

گامها" پیداست که دو خط ادامه جنگ و برقراری مبارزه وجود دارد. طرفداران ادامه نبرد تا پیروزی بیشتر در میان سپاه پاسداران، پرسنل انقلابی و رزمندگان ارتش و نیروهای داوطلب و همه انقلابیون راستین و مسلمان ایران است که خط انقلاب را دنبال میکنند. آن ماده از قطعنامه سینار سپاه پاسداران که روی ضرورت ادامه جنگ مردمی تائیدی دشمن تائید میکند، از این تحایل و خط حرکت در سپاه گواهی می‌دهد. آیت‌الله منتظری و مشکینی هم این نظر را تائید کردند و گفتند و روی اهداف اولیه‌ای که توسط امام مبنی بر ادامه مبارزه و نبرد تا پیروزی پافشاری کردند. خط دوم که خط مبارزه و مصالحه است از ضرورت برقراری صلح و خاتمه جنگ

اهداف و مصالح انقلاب از جنگ و صلح
دوم: از موضع انقلاب:
بعضی دولتمردان مایلند اینطور وانمود کنند که این ما بودیم که باعث شروع جنگ شدیم و اینکار را با تبلیغات خود علیه حکومت‌های مرتجع و تشویق مردم آنجاها به قیام و صدور و انتشار پیامهای انقلاب اسلامی ایران انجام دادیم و نیز سیاست انقلاب را علیه امپریالیسم و در قضیه گروگانگیری که بزعم آنان سبب انزواي ایران شد، عامل دیگری در شروع جنگ می‌دانند.

این دولتمردان لیبرال و سازشکار در اظهارات و عقاید خود حق دارند زیرا منکر تضاد ماهیتی بین انقلاب و امپریالیسم شیطان‌صفت‌اند. آنان طرفدار همکاری و همزیستی با آنها میباشند و لذا هر اقدامی که قدرتهای امپریالیستی غرب را برنجانند نادرست می‌شمارند.

ولی از نقطه نظر مکتب و انقلاب، قضیه با تصورات آقایان لیبرالها فرق دارد، به اعتقاد ما انقلابی که جوهر مکتبی دارد، یک حرکت است و موجودیت آن به حرکت رشدیابنده‌اش وابسته است. یعنی تا وقتی پیش می‌رود و رشد میکند، وجود دارد و در غیراینصورت بمحض توقف، دیگر "انقلاب" نیست، پدیده دیگری است. انقلاب نمی‌تواند قدرت دشمن و دشواری‌های راه و ضعف نیروی مادی خود را بهانه کند و از پیشروی سر باز زند. وقتی حرکتی بر مسیر حق پیش می‌رود، هراندازه ضعیف و از لحاظ نیرو اندک باشد، بطور قطع بر دشمن خود پیروز میشود، منتهی در درازمدت برخلاف بینش غیرمکتبی لیبرالها ما نمی‌توانیم با کشیدن حصاری به دور خود و خودداری از پیشروی و ادامه مبارزه با امپریالیسم و ممانعت از صدور انقلاب، حیات آنرا حفظ کنیم و بعکس اینکار به نابودی و خفگی مسلم انقلاب میانجامد. انقلاب موجی است که آرامش آن با عدمش همراه است و تا وقتی زنده است که می‌رود و با صخره‌ها می‌جنگد. حیات انقلاب اسلامی ایران در ادامه نبرد درازمدت با امپریالیسم و همه مظاهر استکبار در داخل و خارج است دشمن با تحمیل جنگ خواست تا جلوی رشد و حرکت انقلاب را بگیرد، یا بکلی آنرا درهم بشکند و ساقط کند و یا با تحمیل سازش از پیشروی‌اش جلوگیری کند و در ایران زندانی و سبب خفگی سازد. جبهه‌جنگ‌رهای خشک، جبهه‌های بود که نقطه ملت ایران بلکه مردم عراق و عربستان و اردن و ترکیه و پاکستان و فلسطین و مصر و شیخ‌نشینها همه را در بر می‌گیرد. جنگ برای ما عامل ابتلاء و وسیله دگرگونی ملت و تقویت ایمان و پاک شدن آلودگیها و تلاش برای خودکفایی و استقلال بود، جنگ با شیطان یک بار دیگر توده‌های میلیونی را به میدان آورد و استعدادها را

حال حاضر در برابر موقعیتهای دوگانه صلح و جنگ کدام یک و با چه ترکیب و ماهیتی در جهت مصالح انقلاب خواهد بود. در شمارهای قبل امت، کیفیت جنگی که به تداوم و تعمیق انقلاب و نیل به اهداف آن کمک میکند، شرح داده‌ایم و نوشتیم که چگونه جنگ درازمدت مردمی تنها راه جهاد مسلحانه با امپریالیسم و تحقق عینی جبهه مستضعفان علیه مستکبرین است و چنین نبردی باعث تسریع حرکت بسوی استقلال و خودکفایی و قطع وابستگی های اقتصادی - نظامی و فرهنگی با امپریالیسم و درهم‌شکستن بوروکراسی در خدمت سرمایه‌داری و لیبرالیسم و تحویل بنیادی و ماهوی ارتش و نیروهای مسلح و گسترش و پیشرفت مبارزه با فتودالها و مالکان غاصب اراضی و آزاد شدن دهقانان و شکل و سازماندهی توده‌ها و رشد نهاد های انقلاب و شوراهای مردمی و افتادن ابتکار عمل بدست مردم و انزواي تدریجی سازشکاران و مرتجعان خواهد شد. اگر هم در این مدت، در این زمینها موفقیت چندان چشمگیری نبوده است، دلیلش را باید در ماهیت کادر رهبری‌کننده جنگ و کادری که بر جنگ کلاسیک میشد، و ندادن رهبری به نمایندگان نیروهای رزمندگان انقلابی و ضعف درونی زمامداران و دولتمردان جستجو کرد، با اینحال بعضی از نتایج مثبت آن خود را نشان دادند.

از ضرورت برقراری صلح و خاتمه جنگ

چه کسی میتواند اطمینان دهد که در شرایط حاضر صدام بدون هیچ امتیازی ارتش خود را بیرون ببرد و خطر یک عکس‌العمل شدید از جانب مردم و نیروهای مسلح و دوستان خود را بخاطر یک جنگ فرساینده بیهوده و یک صلح و عقب نشینی مفتضحانه و توأم با خفت و خواری به جان بپذیرد؟



و اما در یک انقلاب صلح با دشمن با چند شرط سازش محسوب نمی‌شود: اولاً، بقصد اغتنام فرصت و ادامه نبرد تا پیروزی و نابودی دشمن و وصول به اهداف انقلاب باشد، مانند صلح حدیبیه در زمان رسول اکرم یا قریش و صلح امام حسن با معاویه که در هر دو هدف پیروزی و اراده ادامه نبرد نهفته بود و بوشی از سازش بشام نمی‌رسید - ثانیاً، باید دید در راس جبهه جنگ چه کسانی هستند و فرماندهی و ابتکار عمل را بدست دارند، یعنی ماهیت و ظرفیت رهبری جنگ، عامل اساسی در تعیین ماهیت صلح و عواقب و آثار بعدی آنست. در صلح حدیبیه پیامبر، رسول خدا شخصاً فرماندهی و رهبری را در دست دارند و هیچکس جز قشریون سطحی‌نگر نمی‌توانست درامالت آن رهبری و اراده استوارش به ادامه جهاد تا پیروزی و ایمانش به مکتب و استوارش در ادامه راه تردید کند و نیز در مورد صلح امام حسن همین شرط برقرار بود - ثالثاً، صلح و مبارزه جنگ پیش از تسلیم کامل دشمن و نیل به اهداف انقلاب، تنها بشرطی درست‌است که راه دیگری برای ادامه جنگ و نبرد مسلحانه ظفرمند با دشمن کافر

کدام جنگ، کدام صلح؟

بقیه از صفحه ۲

وجود نداشته باشد و در هر دو مورد صلح حدیبیه و صلح امام حسن این شرط نیز برقرار بود. عدم تعادل قوا بین دو جبهه به اندازه‌ای بود که اقدام به جنگ ممکن بود موجودیت نهضت را بمخاطره بیندازد. اگر این سه شرط اقل در مورد متارکه و صلح با صدام وجود داشته باشد، نه فقط زمانی در بر ندارد که ضروری و موافق مصلحت خواهد بود.

درباره شرط اول هیچ دلیلی در دست نیست تا نشان دهد دولتمردان ما با قبول متارکه و صلح می‌خواهند اغتمام فرصت کنند و درباره شرط دوم، کسانی رهبری جنگ و دولت را در دست دارند که در تجربه دو سال گذشته تا حدود زیادی ثابت کرده‌اند که کتف و ظرفیت لازم برای وارد شدن در یک نبرد انقلابی درازمدت را فاقدند. امام نیز در وضعیتی نیستند که بتوانند شخصاً در میدانهای نبرد حضور یافته، رهبری و هدایت جنگ را بعهده گرفته، یا مستقیماً اداره امور کشور و دولت را در دست بگیرند در نتیجه ایشان که از آغاز معتقد به بسیج همه توده‌ها و اتخاذ مشی درازمدت مردمی و ادامه مقاومت و نبرد تا پیروزی نهائی و توصیه برای تشکیلات و نیروهای مبارز و نیاید تا نابودی شیطان بزرگ و صهیونیسم بودند و وحدت همه اقشار مردم و رزمندگان از سپاهی تا نظامی از داوطلب تا عشایری را خواهند و به اصل خودکفائی و اتکا به درون و استقلال و استقلال از محاصره اقتصادی و از تهاجم نظامی برای پاک کردن آلودگیهای شرک و وابستگی بودند، مجبور بودند که به دادن رهنمود اکتفا کنند و عملاً کار هدایت امور جنگ به کسانی واگذار شد که کمتر ایمانی به آن اهداف و آرمانها و رهنمودها داشتند و دارند و بسیار کم و یا هیچ بدانها عمل نکردند.

آری اگر دولتمردان از لحاظ معرفت مکتبی و تقوی و خصلت‌های انقلابی نزدیک به یاران و صحابه رسول خدا بودند و یا لاقول همان اندازه که آنان از پیامبر خود اطاعت می‌کردند، رهنمودهای امام را دقیقاً در عمل پیاده میکردند، در حال حاضر کشور و انقلاب وضعیتی دیگر داشت. می‌بینیم که غالباً در سخن امام را تأیید و خود را در خطوی می‌شارند اما در عمل... و بالاخره شرط سوم که ظاهراً منتهی است زیرا تناسبی بین قدرت شکست‌ناپذیر خلق مسلمان و مومن و شهیدپرور و ارتش بازی‌خورده عراق و حامیان امپریالیست و

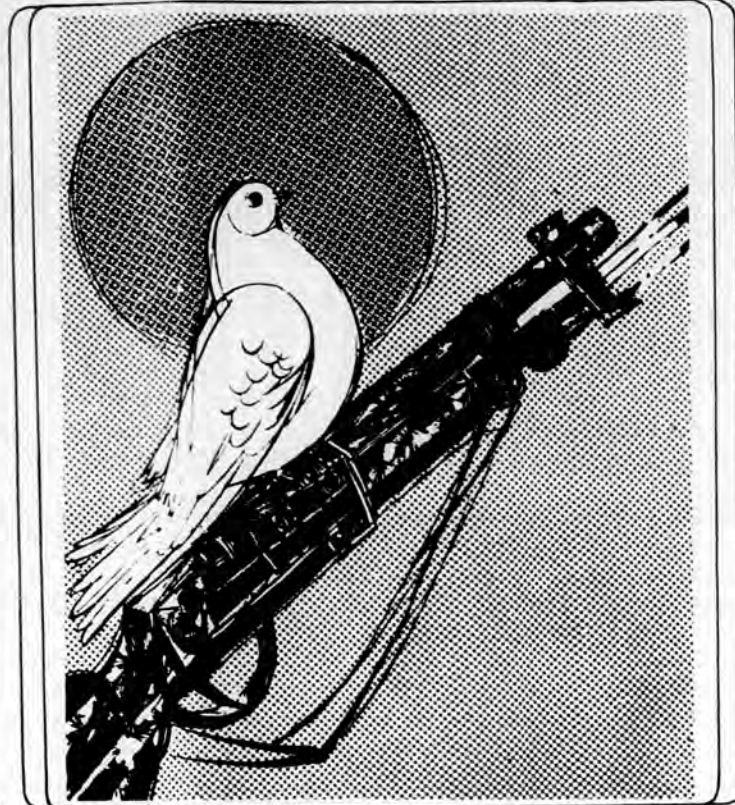
اختلاف مرزی و دادن و پس گرفتن قطعات خاک در میان نیست و همانطور که مقامات عراقی تصریح کرده‌اند، آنان خواهان این هستند که انقلاب اسلامی ایران در کار آنها دخالت نکند، مردم عراق و دیگر ملل مستضعف را حمایت مادی و یا معنوی و تبلیغاتی ننماید، با سخن‌پراکنی‌های خود به صدور فرهنگی انقلاب ادامه ندهد، تا در نتیجه جنبشهای آزادیبخش و ملل زیر سلطه از حمایت انقلاب مایوس و حتی در اصلت و پایداری تردید و از آن قطع امید کنند و به آسانی قربانی سرکوب دولت‌های ضد مردمی شوند. درازا، ما چه بدست خواهیم آورد؟ شاید در این باره بعدها بیشتر صحبت کنیم.

هشدار به نیروهای رزمنده مومن به انقلاب

پیش از آنکه اطلاعات بیشتری در باره ماهیت مذاکرات و پیشنهادات بدست آید، صحبت دیگری نمی‌کنیم. اما ناچاریم به مردم مبارز و دلیر ایران و بیسهم نیروهای جان‌برگرف رزمنده در جبهه و نیز به مسئولان هشدار دهیم که مراقب هدف اصلی "تهاجم صلح دشمن" و بویژه ارباب امپریالیست آن باشیم. چه شد که بعد از خودداری ایران از شرکت در کنفرانس طائف و شرکت در کنفرانس غیرمتمهدها و تصمیم کنفرانس اخیر به تشکیل و اعزام هیاتی برای حل اختلاف، طائیفها با عجله دست یگار شدند تا ابتکار عمل از دستشان خارج نشود؟ چه شد که مسئولان عالی‌رتبه کشوری و لشکری بعد از یک سری شعارهای تند دایر به ادامه جنگ، از ضرورت صلح و آتش‌بس صحبت می‌کنند؟ سپاه پاسداران یا آن قطعه‌نامه که هر نوع مذاکراتی را نفی و خود را آماده ادامه نبرد درازمدت می‌کرد، اکنون چه خواهد کرد؟ آیا فکر نمی‌کنید اگر صلحی منعقد شود که بوجه، آن انقلاب از اهداف اعلام شده‌اش توسط رهبر انقلاب دست بگذرد، تا چه اندازه در روجیه‌توده‌هاست فداکار، دهقانان و کارگران و زنان و مردان و کودکانی که همه چیز خود را با عشق و ایمان کامل برای پیروزی اسلام و نابودی کفر دادند، تأثیر خواهد گذاشت؟ نخواهند گفت بعد از آنهمه شهید و خونها که بر زمین ریخت، بعد از آنهمه آوارگی‌ها و ضایعات، چگونه موجودیت کافر را تأیید کنیم و دست از انقلاب بمانیم برادران و برادران ارتشی و سپاه و بسیج و دیگر داوطلبانی که به عشق شهادت و یا پیروزی

ضد کمونیستی و ضد شوروی، تسلط و تجاوز بالفعل همه‌جانبه آمریکا و متحدین آنرا از نظر مردم مخفی کردند، در جایز جبهه متحد لیبرالها صحبتی از آمریکا و اروپا و

متاسفانه تبلیغات زهرآگین لیبرالها و سازش‌کاران و متحدین آنها و همگام با آنها عوامل ضدانقلاب و تاکیدی که بر شعار امنیت، رفاه و پیشرفت اقتصادی کردند، و



توطئه‌های نظامی - سیاسی آن در میان نیست.

هدف آنان ایجاد چنان جو گاذبی است که مردم به تصور حضور قطعی یک دشمن خطرناکتر، آماده قبول سازش با آمریکا و رها کردن وی شوند. بگذار آنها ما

همه مشکلات را از ناحیه ضدیات ما با آمریکا و غرب خوانند، تا حدودی بویژه در اقشار و طبقات متوسط جامعه تأثیر کرده و جوی مساعدجاری توطئه‌ها و نقشه‌های امپریالیسم فراهم آورده است. آنان اخیراً هم با باز کردن یک جبهه وسیع تبلیغاتی

را به نقض شعار نه شرقی و نه غربی متهم سازند. ما برای خوشایند کسی مبارزه نمی‌کنیم، برای ما رضایت خدا و مصالح انقلاب و مکتب اهمیت دارد و مواضع اصولی ما نسبت به تمام این امور روشن است مفرضان و مستکبرین و کسانی که بسختی دچار نفاق و آنهم از نوع پیچیده آن هستند، در هر صورت ما را متهم خواهند کرد، ولی ما از مسئولان می‌خواهیم که در اقدامات خود قراموش نکنند که باید جواب منطقی قابل قبولی برای شهدای بخون خفته داشته باشد، جوابی که در پیشگاه خداوند

و وجدان پاک شهدا قابل قبول باشد. آنچه برای ما مسلم است، اینکه اراده توانای مردم مبارز و مسلمان ایران با این ضعفها در هم نخواهد شکست و برادران ما در جبهه‌های نبرد و در دهات و شهرها و در زیر چادرهای آوارگان و در کوه و دشت و درون سنگرها و پشت تانکها و توپها، آنانکه در راه خدا و برای آزادی مردم و استقرار قسط اسلامی می‌جنگند، هرگز حتی در صورت سازش با دشمن از جانب دولت-مردان، امید خود را به آینده و به نیروی لایزال حق از دست نخواهند داد، آنان با توکل به سنت‌های خدا به راه خویش ادامه داده، خود را برای نبرد در مراحل بعدی و از میان برداشتن موانع راه انقلاب آماده خواهند ساخت. آنان اجازه نخواهند داد انقلاب اسلامی ایران دچار شکست معنوی شود، نخواهند گذاشت امید مستضعفان مبدل به یاس شود و طرحی که می‌توانست تحولی در کیفیت مبارزه با امپریالیسم در سطح جهانی و با صهیونیسم در منطقه برجای بگذارد، بکلی باطل شود.

آیا صلتی که تا کنون هفتاد - هزار شهید داده‌است و خدا را با تمام وجود خود حس میکند و بدان ایمان دارد، از پای خواهد نشست؟ به اعتقاد ما نه!



حیله‌های سرمایه‌داران در تجارت خارجی

بقیه از صفحه ۱

۲- مراحل ورود کالا به کشور و جگونگی توزیع

حال برای تشریح حیله‌های سرمایه‌داران ابتدا مراحل ورود بگ کالا و توزیع آنرا ذکر کرده، سپس به شرح شیوه‌های تقلب می‌پردازیم: سیستم تجارت خارجی و شیوه ورود کالا بدین گونه است که سازمان حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده از تمام وارد کنندگان کالا کلی ضمانت‌نامه‌ای حق فروش کالا را از واردکننده گرفته وی را موظف می‌نماید که کالا را در اختیار سازمان مذکور قرار دهد. پس از این ضمانت‌نامه واردکننده با سرمایه‌دار میتواند درخواست خرید

می‌برد. پس از پیروزی ۲۲ سپهرن بدلیل درهم ریختن نظام وابسته به امپریالیسم، تارو بود سیستم سرمایه‌داری وابسته متزلزل گردید، لیکن بدلیل ممالیات مسئولین و دولتمردان و با پرداخت وام‌های سنگین برای بازسازی صنایع مونتاژ، سرمایه‌داران مجدداً به موضع قدرت رسیده و با بدست گرفتن تجارت خارجی و ارتباط مجدد با امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی به توسعه و بازسازی مجدد تجارت خارجی پرداختند. تجارت خارجی در زمان رژیم وابسته به امپریالیسم، هیچگونه محدودیتی نداشت و این یکی از طرقی است که امپریالیسم برای غارت نمودن منابع ارزی و صدور اجناس اضافی خود به کشورهای دنیال می‌نماید. ورود اجناس خارجی، وابستگی اقتصادی و تورم شدیدی به همراه می‌آورد و تولیدکنندگان داخلی را به نابودی می‌کشد. استفاده از این شیوه در زمینه‌های کشاورزی و غذائی در رژیم پیشین، بحدی بود که قیمت محصولات داخلی از قیمت متعارف نیز پائین‌تر می‌آمد که نمونه آنرا میتوان در کشت جای و تولید کمیوت یافت مثلاً در مورد جای، دولت وابسته به امپریالیسم جای ایرانی را به تجار به مبلغ کیلویی حدود ۱۵۰ ریال می‌فروخت ولی واردکنندگان جای بدلیل آنکه بتوانند جای خارجی را بهتر بفروشند، جای خریداری شده ایرانی را به نصف قیمت خرید (حدود کیلویی ۷۰ ریال) به بازار عرضه می‌کردند تا عملاً جای خارجی در بازار رقابت نماید. درحقیقت به یک نوع دمیگ داخلی دست می‌زدند و پس از آنکه جای خارجی رقابت در بازار را بدست گرفت، جای داخلی را یا در روستاها و یا به صورت مخلوط با جای خارجی به عنوان جای خارجی به مردم می‌فروختند که هم اکنون این شیوه از بین رفته است. علاوه بر کالاهای مصرفی به کشور، جامعه را از لحاظ ساخت فرهنگی - اجتماعی با فرهنگ امپریالیستی یکسان نموده، روح خلاقیت و ابتکار را از مردم سلب می‌نماید و زمینه مناسبی برای تداوم نفوذ امپریالیسم در جامعه می‌گردد. در نتیجه امپریالیسم از طریق صدور کالا به کشورهای جهان سوم، نه تنها قشری از سرمایه‌داری وابسته را به عنوان حامی خود در کشورهای وابسته رشد داده و حاکم

دشمن را بهراس انداختند و راه بر ارتش نیرومند وی سد کردند، چه خواهند گفت و چه تأثیری در روحیه‌شان بوجود می‌آید؟ ما ایمان داریم که ملت ما ظرفیت و قدرت ادامه نبرد تا پیروزی نهائی و سرنگونی کفر و استکبار جهانی را دارد. نیروی ملت لایزال است، اگر دولتمردان به قدرت توده‌ها اعتماد ندارند، گناه از آنهاست، کاری نکنیم که آمریکا موفق شود اسطوره سازش‌ناپذیری انقلاب اسلامی ایران را باطل کند. در قضایه آزادی‌گروگانها، آمریکا در تخفیف روجیه مردم محروم جهان و اثبات اینکه ما بر ایران پیروز شدیم و انقلاب را وادار به تسلیم کردیم زیاد تبلیغات کرده است. چنانکه اسناد سفارت نشان می‌دهند برای آمریکا بسیار مهم است که نمایندگان جهان امپریالیسم و بویژه یک دولتمرد آمریکائی را به ملاقات و مذاکره با امام هدایت کند، او نمی‌خواهد این اسطوره برای همیشه باقی بماند که انقلاب اسلامی ایران و رهبر آن امام خمینی حاضر نشدند بنحوی مشروعیت قدرتهای استکباری و جباران و دولتهای مزدور و مرتجع و ضد مردمی را تأیید کنند زیرا این امر برای ملت‌ها انگیزنده و برای ملت ایران الهام‌بخش مقاومت خواهد بود، شکست نظامی و اقتصادی ایران در برابر شکست معنوی انقلاب هیچ اهمیتی ندارد،

چنانکه اسناد سفارت نشان می‌دهند برای آمریکا بسیار مهم است که نمایندگان جهان امپریالیسم و بویژه یک دولتمرد آمریکائی را به ملاقات و مذاکره با امام هدایت کند، او نمی‌خواهد این اسطوره برای همیشه باقی بماند که انقلاب اسلامی ایران و رهبر آن امام خمینی حاضر نشدند بنحوی مشروعیت قدرتهای استکباری و جباران و دولتهای مزدور و مرتجع و ضد مردمی را تأیید کنند، زیرا این امر برای ملت‌ها انگیزنده و برای ملت ایران الهام‌بخش مقاومت خواهد بود.

مرتجعش وجود ندارد. شکست و پیروزی و درجه مقاومت را باید در درازمدت سنجید به اعتقاد ما ادامه این جنگ بطور قطع به سقوط رژیم بغداد و پیروزی انقلاب می‌انجامد البته با همان شرایطی که بحث کردیم. بدیهی است که بگویند اگر دشمن بی‌هیچ قید و شرطی پای پس بگذرد و خاک ما را ترک گوید، آیا باز هم جنگ ادامه دهیم، جواب ما منفی است ولی چه کسی میتواند اطمینان دهد که در شرایط حاضر صدام بدون هیچ امتیازی ارتش خود را بیرون ببرد و خطر یک عکس‌العمل شدید از جانب مردم و نیروهای مسلح و دوستان خود را بخاطر یک جنگ فرساینده بیهوده و یک صلح و عقب‌نشینی مفتضاحانه و توأم با خفت و خواری به جان ببذیرد؟ و چه کسی میتواند اطمینان دهد که دولتهای مرتجع عضو کنفرانس طائف که حیات و قدرتشان با حیات انقلاب اسلامی ایران در تضاد است و اربابان امپریالیست آنها پس از تحمیل یک جنگ بر انقلاب اکنون بدون بدست آوردن کوچکترین امتیازی، با خفت و خواری در برابر انقلاب تسلیم شوند. باز هم اگر بگویند در یک صلح امتیازی می‌دهیم و امتیازاتی بزرگتر بدست می‌آوریم، که در اینصورت باید شرح داده شود.

چه می‌دهیم و چه بدست می‌آوریم؟ از ظواهر امر چنین برمی‌آید که صحبت از

شیوه دیگری که سود سرشاری به جیب سرمایه‌داران واردکننده می‌ریزد چنین است که کمیته خرجهای اضافی که برای واردکننده بوجود آمده را پذیرفته و بدوی مسترد می‌دارد، از جمله این هزینه‌ها، تنزیلی است که به وام بانکی واردکننده تعلق می‌گیرد.

انحصارات سرمایه‌داری را در کشورهای جهان سوم تقویت نموده، و نهائماً منجر به ایجاد دیکتاتوری وابسته میگردد. از آنجا که شروع نفوذ امپریالیستها از طریق ایجاد ارتباطات تجاری میباشد، آغاز معامله با امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی آغاز مرگ تدریجی انقلاب خواهد بود. امام نیز اهمیت استقلال و معامله با کشورهای دوست و برادر و آنهاکه بوسیله معامله ما را وابسته نمی‌نمایند، را بارها گوشزد نموده‌اند، لیکن از آنجا که در پیش مسئولین و دولتمردان ساخت بازار "انقلابی" است و بدنیال حول کردن امور تجارت به "سرمایه‌داران مومن" میباشد، نه تنها معاملات تجاری ما امپریالیستها رو به کاهش نگذاشته است، بلکه سیر صعودی خود را بعد از پیروزی انقلاب همچنان حفظ کرده است و هم اکنون نیز بدلیل آزادی گروگانها و رفع تنگناها و مشکلات ارتباطی با امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی درخواست‌های خرید واردکنندگان ایرانی به اوج خود رسیده است.

بقیه در صفحه ۷

اجرای بندج خواست توده‌های میلیونی کشاورز و نیروهای مومن به انقلاب است

پشتیبانی روستائیان

اسبو محله گرگان از بندج

اعضای انجمن اسلامی و اهالی روستای اسبومحله از طوایف گرگان طی نامه‌ای با پشتیبانی از طرح اصلاحات ارضی، خواستار اجرای بندج "ج" آن که به پهنانه جنگ و زیر فشار حملات فئودالها و حامیانشان اجرای آن متوقف گردید، شده‌اند. آنان همچنین ضمن گرامیداشت یاد تمام شهدای اسلام بویژه افرادی که در جهت مبارزه با فئودالیسم و اجرای طرح به شهادت رسیده‌اند از افرادی که در جهت اجرای طرح اصلاحات ارضی و بندج "ج" تلاش مینمایند، قدردانی نموده‌اند.



روستائیان مجال نازلوجای

کارکنان مسلمان دانشگاه ارومیه:

زمینه آزادی و استقلال عدم وابستگی به شیطان و اولیاء آن است



کارگران، کارمندان، دانشجویان و اساتید مسلمان دانشگاه ارومیه، با صدور اطلاعیه‌ای حمایت و پشتیبانی خود را از اجرای مجدد بندج "ج" اعلام نموده‌اند. در بخشی از اطلاعیه آمده است:

کارگران، کارمندان، دانشجویان و اساتید مسلمان دانشگاه از حضور امام امت، تقاضا دارند که دستور اجرای بندج اصلاحات ارضی مجدداً داده شود تا با اجرای آن و صاحب زمین شدن کشاورزان مظلوم، آزادی و استقلال عدم وابستگی به شیطان و اولیاء شیطان است.

همچنین روستائیان مجال نازلوجای نیز با ارسال طوماری با صدها امضاء خواهان دستور اجرای بندج "ج" از جانب امام شده‌اند، آنان گفته‌اند که:

"لذا ما روستائیان مجال نازلوجای از حضور امام امت تقاضا داریم که دستور اجرای بندج اصلاحات ارضی مجدداً داده شود تا با اجرای آن و تأمین معاش زندگی بهتر بتوانیم در راه اهداف انقلاب اسلامی گام برداریم، بهتر بتوانیم با شیطان بزرگ و اولیاء آن به مبارزه مستمر خود ادامه بدهیم، بهتر بتوانیم با تولید بیشتر آزادی را که شعار انقلاب اسلامی است به مزارع نیز برگردانیم، بتوانیم ببرکت انقلاب اسلامی حق سالها پامال شده خود را از مستکبرین باز ستانیم."

کشاورزان پائین احمدکلاهی:

مصرانه میخواستیم که بندج "ج" به مرحله عمل درآید.

کشاورزان روستای پائین احمدکلاهی پشتیبانی قاطع خود را از اجرای بندج "ج" اعلام کرده‌اند، آنان در قسمتهایی از نامه خود نوشته‌اند:

... بله آتموقع که فئودالها به سوراخها خزیده بودند، دست به کاری نزدیک تا منتظر قانون شویم و... که خوشبختانه قانون تقسیم ارضی با همت برادران مبارز رضا اصفهانی، آیت‌الله منتظری و آیت‌الله مشکینی به تصویب شورای انقلاب رسید و هیئت‌های ۷ نفره تشکیل شد تا این طرح را به مرحله اجرا گذارد ولی هنوز هیئت‌ها در اکثر جاها شروع به کار نکرده بودند که نوطه‌ها آغاز شد و فئودالها و عوامل وابسته بدانها در اجرای طرح سنگاندازی کردند...

ما از مقامات مسئول میخواستیم که بس است و اینقدر از فئودالها دفاع نکنند و این گفته علی (ع) را به خاطر داشته باشند که خشم همگان رضا و خسودی چند تن را پایمال می‌سازد و مصرانه میخواستیم که بندج "ج" طرح واگذاری زمین به مرحله عمل درآید.

ما کشاورزان روستای پائین احمدکلاهی ضمن حمایت از شما برادران هیئت ۷ نفره واگذاری زمین خواهان اجرای بندج "ج" طرح واگذاری زمین هستیم و پشتیبانی خود را از آن اعلام میداریم.

اهالی روستای قرانلومی پرسند: چه کسانی باعث توقف اجرای بندج شده‌اند؟

خوشنشینان، کشاورزان روستای قرانلو بخش کبوترآهنگ طی ارسال نامه و طوماری با صدها امضاء به هیئت هفت‌نفری شهرستان همدان خواستار اجرای بندج "ج" شده‌اند. متن نامه ارسالی بدین شرح است:

ریاست محترم هیئت هفت‌نفری شهرستان همدان:

محترماً بعرض میرساند ما خوشنشینان و کشاورزان روستای قرانلو بخش کبوترآهنگ که سالها زیر بار ظلم مالکان بوده‌ایم و امروز که بیاری خدا انقلاب اسلامی پیروز شده، زمینها را بکمک هیئت گرفته‌ایم و کاشته‌ایم، می‌بینیم که شنیده میشود که کار هیئت‌های هفت‌نفری بندج "ج" متوقف گردید، آخر چرا؟ این کار چه کسانی را خوشحال کرده است، چه کسانی باعث توقف این کار شده‌اند؟ اگر زمینهای ما را دوباره مالکین غصب کنند، پس طرقداری از مستضعفین چه میشود؟ ما خواستار ادامه کار هیئت هفت‌نفری و اجرای بندج "ج" هستیم و میخواستیم که برای زمینهای ما از طریق شرع اسلام سند داده شود تا ما بتوانیم از طریق آن‌ها گرفته و کار کشاورزی را ادامه بدهیم. مگر امام خمینی - نفرومده که انقلاب، انقلاب مستضعفین است؟

درد بر رهبر اسلام حضرت آیه‌الله‌العظمی امام خمینی سلام بر شهیدان انقلاب

بسیج مردم یاسوند کردستان برای قطع ید فئودالها از قنات روستا

خوبیش در آوردند و محصولات چندین باغ و باغچه خشک و از بین رفته، اکنون که زور از این کشور رخت بر بسته باز هم مردم مسلمان این بخش بعلت نداشتن آب آشامیدنی، سخت در مضیقه می‌باشند.

برادران جهاد در این روستا جهت حمایت از مستضعفان به فعالیت پرداخته و در رابطه کاری با مردم، حمایت‌های توده‌ای را نیز جلب کرده‌اند. متأسفانه عناصر فئودال با اعمال نفوذ در ادارات و جهاد مرکزی و دادگاه انقلاب به برادران جهاد مارک کمونیست زده، روحانی ده گرفتن قنات را شرعی نمیدانند و غسل با آب آنرا غیر حجاز میخوانند.



علیهذا مردم مستضعف به اتفاق هم جمع شده، این حق حیاتی مسلم خود را که در قراردادنامه سال ۱۳۳۴ منعقد گردیده است که باید آب مورد استفاده خانه‌ها از این آب تأمین گردد با بسیج همگانی و شرکت فعال مردم و افراد جهاد، بطرف قناتها رفتند و بطور موقت آنرا به منبع آب برگردانده و انتظار دارند که دادگاه انقلاب و هیئت واگذاری زمین از طریق قانونی اقدام عاجل نموده و احکام ضروری را در جهت اعاده حق روستائیان صادر نمایند.

آنها و سپردن زمین به صاحبان اصلی آن، طرح می‌شد با امیدواری بسیار، آمادگی فوق‌العاده خود را در این جهت نشان دادند. لذا در بخش حسن‌آباد یاسوند استان کردستان یک رشته قنات که با جنگ و ناخن مردم محروم و مستضعف این نسل و اجدادشان ساخته شده بود، سالهای سال ارباب وقت بوسیله زور، مردم را از استفاده آن بی‌بهره کرده، و بعد از آن آنرا به افراد مورد اعتماد خود واگذار کرده است که خود در سایر شهرستانها زندگی میکنند، آنان نیز بدون توجه به نیازهای شدید مردم به این آب، آنرا به انحصار

نفوذ فئودالها و ضد انقلابیون در ارگانهای انقلابی

آنچه در ذیل ملاحظه میکنید، شکایت نامه عده‌ای از روستائیان قریه‌های مطلقان و حومه بجنورد میباشد.

مردم قریه‌های مطلقان و حومه بجنورد که همواره از هیچ کوششی جهت حمایت و دفاع از انقلاب فروگذار نکرده‌اند، در شرایط کنونی بجای حمایتی که لازم است نهادهای انقلابی از مبارزات آنان در مقابل فئودالها و وابستگانشان بعمل آورند، متأسفانه بعلت نفوذ همین عناصر (فئودالها) و افراد ضدانقلاب و وابستگان فئودالها، در خدمت ضدانقلاب قرار گرفته و ببقایه با مردم می‌پردازند. فئودالها - چون حاجی ناصر روحانی، حاجی حسن - ایمانی، محمد روحانی، رحمانقلی قره‌چورلو سلطانقلی قره‌چورلو، منوچهر قره‌چورلو، خسارنرخان قره‌چورلو و حاجی رضا قره‌چورلو، با پشتیبانی عناصر ضدانقلاب، بهارگانهای انقلابی نفوذ کرده و به فروش زمینهای مردم در قریه‌های نادرآباد و بیار، دست زده‌اند. تعدادی از کشاورزان ده پس از غصب زمینها از جانب فئودالها و مزدوران آنها، اقدام به میله‌گذاری در اطراف زمینها نموده و به فئودالها اخطار می‌کنند که در صورت فروش زمینها، به هیئت هفت نفره واگذاری زمین شکایت خواهند نمود. فئودالها با اطلاع از اینعمل روستائیان، با مزدوران خویش به اهالی قریه بیار حمله‌ور شده، ضمن اقدام به ضرب و شتم مردم روستا، تعدادی از اهالی را نیز دستگیر می‌نمایند و مغازه‌هایشان را بسته و از خانه بیرون رانده وزن و فرزند روستائیان را گروگان می‌گیرند، عناصر نامبرده در اطراف جاده تهران - مشهد در کمین نشسته و افراد قریه‌های نادرآباد و بیار را به اسارت می‌گرفتند. قابل توجه است که عناصر کمیته فئودالها و مزدوران آنها همکاری نموده در ضرب و شتم روستائیان مشارکت داشته‌اند. روستائیان پس از وقوع این حوادث، به فرمانداری و دادستان انقلاب بجنورد شکایت میکنند که در اثر نفوذ عناصر وابسته به

آقای ربانی شیرازی چرا در کار هیئت‌های هفت نفره اخلاص می‌کنید؟

آقای ربانی شیرازی عضو شورای نگهبان هم‌چنان به کارشکنی خود علیه هیئت‌های هفت نفره تقسیم زمین ادامه می‌دهند، عملکردهای ارتجاعی ایشان سابقه زیادی دارد و با وجود امثال ایشان در شورای نگهبان معلوم نیست بر سر اصلاحات ارضی و بندج "ج" چه خواهد آمد؟

از جمله کارهای اخیر آقای ربانی شیرازی مخالفت در ۴ مورد با کارهای ستاد تقسیم زمین "خرامه" میباشد که ایشان آنها را غیرقانونی اعلام کرده‌اند. البته در هر ۴ مورد توضیح کافی از طرف هیئت ۷ نفره برای حاکم شرع فرستاده شده است ولی آقای ربانی با زرنگی خاص خودشان شکایت از هیئت‌های هفت‌نفره را به دادسرای عادی شهرستانها انتقال میدهند، در صورتیکه حاکم شرع اعلام کرده است که شکایات مربوط به هیئت‌های هفت نفره باید برای وی فرستاده شود.

سند زیر یک نمونه از کارشکنی و دخالت‌های غیرقانونی آقای ربانی میباشد معلوم نیست ایشان که خود را از حافظین حدود و نفور قانون اساسی می‌دانند، چگونه از آن تخطی کرده و در کارهایی که ارتطابی با ایشان ندارد دخالت میکنند؟!

مستخرج از کتاب...

تعمیر و بازسازی...

سرمایه‌داران میدان بدو طریق دیگر نیز به استثمار کشاورزان و باغداران می‌پردازند:

الف: اغلب آنها دارای باغها و املاک (در خمینی شهر، نجف‌آباد) بوده و محصول و نتیجه زحمات شبانه‌روزی کشاورزان را به نگاه انتقال داده و به قیمت دلخواه بفروش می‌رسانند.

ب: قبل از به ثمر رسیدن میوه، با قیمتی کمتر از ارزش بازار، محصولات را از کشاورزان می‌خرند و با اصطلاح با سلف‌خوری استثنائی مضاعف را بر کشاورزان تحمیل می‌نمایند.

غیر از موارد یادشده، در صورتیکه برسد محصول پائین بیاید و یا دیر بفروش برسد و آسیب ببینند، اغلب کشاورزان متضرر میشوند. همچنین بنگاهداران میوه - فروش ۵ تا ۱۰٪ برای خود حق العمل‌کاری برمی‌دارند و بقیه را به کشاورزان میدهند. از سوی دیگر بعلت فقر کشاورزان و عدم امکانات مالی و همچنین فعال نبودن بانک کشاورزی در رابطه با کشاورزان، بیشتر کشاورزان جهت ادامه کار خود بدامان سرمایه‌داران پناهنده میشوند و سرمایه‌داران نیز از این فرصت استفاده کرده، در ازای وامی که در اختیار کشاورزان می‌گذارند محصول آنها را پیش‌خرید نموده و در صورتیکه ضرری متوجه کشاورزان شود، هر بار مقروض و مقروض‌تر شده و بدین ترتیب کشاورزان در اختیار و چنگ سرمایه‌داران و بنگاهداران درمی‌آیند تا همچنانکه آنها می‌خواهند با کشاورزان رفتار شود. یکی از کشاورزان می‌گفت: اگر سرمایه‌دار نباشه، رعیت میدونه که هیچکس نیست که پول و بقیه در صفحه ۵

باتشکیل شوراهای

بقیه از صفحه ۱

غیر از موارد یادشده، در صورتیکه برسد محصول پائین بیاید و یا دیر بفروش برسد و آسیب ببینند، اغلب کشاورزان متضرر میشوند. همچنین بنگاهداران میوه - فروش ۵ تا ۱۰٪ برای خود حق العمل‌کاری برمی‌دارند و بقیه را به کشاورزان میدهند. از سوی دیگر بعلت فقر کشاورزان و عدم امکانات مالی و همچنین فعال نبودن بانک کشاورزی در رابطه با کشاورزان، بیشتر کشاورزان جهت ادامه کار خود بدامان سرمایه‌داران پناهنده میشوند و سرمایه‌داران نیز از این فرصت استفاده کرده، در ازای وامی که در اختیار کشاورزان می‌گذارند محصول آنها را پیش‌خرید نموده و در صورتیکه ضرری متوجه کشاورزان شود، هر بار مقروض و مقروض‌تر شده و بدین ترتیب کشاورزان در اختیار و چنگ سرمایه‌داران و بنگاهداران درمی‌آیند تا همچنانکه آنها می‌خواهند با کشاورزان رفتار شود. یکی از کشاورزان می‌گفت: اگر سرمایه‌دار نباشه، رعیت میدونه که هیچکس نیست که پول و بقیه در صفحه ۵

مستخرج از کتاب...

تعمیر و بازسازی...

سرمایه‌داران میدان بدو طریق دیگر نیز به استثمار کشاورزان و باغداران می‌پردازند:

الف: اغلب آنها دارای باغها و املاک (در خمینی شهر، نجف‌آباد) بوده و محصول و نتیجه زحمات شبانه‌روزی کشاورزان را به نگاه انتقال داده و به قیمت دلخواه بفروش می‌رسانند.

ب: قبل از به ثمر رسیدن میوه، با قیمتی کمتر از ارزش بازار، محصولات را از کشاورزان می‌خرند و با اصطلاح با سلف‌خوری استثنائی مضاعف را بر کشاورزان تحمیل می‌نمایند.

غیر از موارد یادشده، در صورتیکه برسد محصول پائین بیاید و یا دیر بفروش برسد و آسیب ببینند، اغلب کشاورزان متضرر میشوند. همچنین بنگاهداران میوه - فروش ۵ تا ۱۰٪ برای خود حق العمل‌کاری برمی‌دارند و بقیه را به کشاورزان میدهند. از سوی دیگر بعلت فقر کشاورزان و عدم امکانات مالی و همچنین فعال نبودن بانک کشاورزی در رابطه با کشاورزان، بیشتر کشاورزان جهت ادامه کار خود بدامان سرمایه‌داران پناهنده میشوند و سرمایه‌داران نیز از این فرصت استفاده کرده، در ازای وامی که در اختیار کشاورزان می‌گذارند محصول آنها را پیش‌خرید نموده و در صورتیکه ضرری متوجه کشاورزان شود، هر بار مقروض و مقروض‌تر شده و بدین ترتیب کشاورزان در اختیار و چنگ سرمایه‌داران و بنگاهداران درمی‌آیند تا همچنانکه آنها می‌خواهند با کشاورزان رفتار شود. یکی از کشاورزان می‌گفت: اگر سرمایه‌دار نباشه، رعیت میدونه که هیچکس نیست که پول و بقیه در صفحه ۵

عوامل بروز اعتصابات در کارخانه‌ها و وظایف انقلابی کارگران

بقیهازصفحه ۱

در محیط‌های کارگری و واحدهای تولیدی موجود آمده است. تحول و تغییراتی که جهت‌گیری آن نشان‌دهنده فرار گرفتن سزویهای کارگری، سوراخا و شکل‌های آن در موضع انقلابی نسبت به شرایط کنونی سیاسی جامعه و پرداختن به مسائل و درگیری‌ها و قطع‌بندیهای کاذب موجود در صحنه سیاسی از روی آنان می‌باشد. در حالی که در واقعیت امر مباحثی جهت - گیری نسبی مبارزه هرچه مشکل‌تر بر علیه سرمایه‌داری وابسته و ایجاد صنعت مستقل و خودکفا می‌باشد. عواملی که در این مورد نقش اصلی را داشته‌اند، بدین ترتیب می‌باشد:

۱- از ابتدای تشکیل شوراهای کارگری چه از سوی دولت لبرال بازرگان و پس از آن شورای انقلاب و سپس ریاست محترم مقاله‌ها و مخالفت‌های بسیاری در برابر رشد و قدرت‌گیری آنها انجام گرفت. دلیل این امر از یک سو در نقش فعال سرمایه‌داری وابسته و مدیران تکوین‌گرا قرار داشت و از سوی دیگر در پیش‌لبرالی و غیرانقلابی حاکم بر دولتمردان قابل حسنجواست. این مخالفت‌ها و مقاومت‌ها و توطئه‌ها بر علیه جریان شوراهای کارگری و شکل‌گیری شکل‌های کارگری، یکی از عواملی بود که سوراخا را در دامن برنامه‌ها و مسائل حزبی و خرده - کاری انداخت و موجب گردید که در جهت - گیری آن در مقابله با سرمایه‌داری وابسته احراف موجود آمد. این انحلال باعث گردید که سوراخا عملاً "نقش فعال گذشته خود را از دست بدهد و در موضع غیر - فعال نسبت به سر تحول انقلاب قرار گیرد.

۲- دلیل ضعف‌های موجود در سوراخا و عدم توان برنامه‌ریزی و برخورد سیستماتیک و مشخص با معضلات و مشکلات کارخانه‌ها، سوراخا عملاً توان جهت‌گیری بر علیه سرمایه‌داری وابسته نداشتند. البته این ضعف‌ها بیشتر زارمی‌گردد به عدم حمایت دائمی از سوراخا و نبودن آئین‌نامه‌ها و توانی مشخص برای کار سوراخا.

کارگران انقلابی و مسلمان ما در عین حال که بایستی آگاهانه در برابر حرکت‌های ضد شورائی و انحصار طلبانه و سازشکارانه بایستند و تسلیم آن نشوند، اما در کنار آن با درک مشکلات اقتصادی و بحران‌های کنونی، در برابر عواملی که قصد دارند تولید را منوط کنند بر خاسته و ماهیت آنها را افشاء کنند.

۳- برخوردهای انحصارطلبانه از سوی جریانات کارگری وابسته به حزب جمهوری جهت زیر بوش قرار دادن سوراخا و سلط یکنه‌نیزه آنان و سایرین حذف کارگران انقلابی و مسلمان از صحنه فعالیت‌های کارگری، به‌عنوان عوامل فوق جریاناتی اقتصادی، تورم، گرانی، بیکاری، هرجه بیشتر فشار خود را بر طبقه کارگر و زحمتمش وارد می‌آورد. و چون برنامه‌هایی که دولت در این موارد داشت "اکتار" غیرانقلابی و حاکی از پیش سرمایه‌داری دولت بود. سعی‌نواست با این بحرانها مقابله اصولی نماید. این وضعیت اگرچه دلیل وجود جوهر انقلابی کارگران نمی‌نواست زمینه‌ساز بروز و شکل عملی یافتن ناراضیاتی کارگران باشد. اما به‌صرف خود زمینه‌های بود برای شکل‌گیری جو عدم اطمینان، بخصوص اینکه اقداماتی از قبیل کم کردن سود ویژه در مدت ۶۰ روز در سال و نیز موهبه‌ها و فوایدی که از سوی شورای انقلاب و ریاست جمهوری مبنی بر مخالفت با سوراخا و اخراج افراد اخلاک‌گر داده می‌شد، خود عوامل دیگری بر تشدید این امر بود. در حقیقت کارگران از یک سو فشارها را می‌دیدند و از یک سو نقش فعال گذشته خود را شاهد نبودند و از سوی دیگر اقداماتی از این قبیل را می‌دیدند. که تمام این عوامل، شرطها و زمینه‌های اساسی در انفعال آنان بودند.

البته این امر نباید محدود به طبقه خاص کارگر گردد، بلکه اکثریت توده‌هایی که در انقلاب نقش داشتند، بدلیل سیاست‌های حاکم و درگیری‌های قدرت و سازشکارها و انحصارطلبیها، دچار چنین وضعی بوده نداشتند، چرا که مدتها منتظر برنامه‌های انقلابی و راهگشا بوده‌اند اما بجای آن شعارها حرف بیشتر تحویل گرفته‌اند. و اگر تاکنون در صحنه مانده‌اند و حضور خود را همچنان در صحنه نشان می‌دهند و انقلاب را تداوم می‌بخشند، و نیز جلوی هر گونه سازشکاری و انحصارطلبی را می‌گیرند، فقط بدلیل جوهر انقلابی خودشان و وجود امام سازش‌ناپذیرشان می‌باشد.

بنابراین در شرایط کنونی ما در حقیقت بدلیل عوامل یادشده در محیط‌های کارگری شاهد جو و موج انقلابی گذشته

باتشکیل شوراهای اسلامی دست واسطه‌ها را کوتاه کنیم

بقیهازصفحه ۴

وسایل کار برای کنت در اختیار او گذاره، پس محوره که قیمتی را هم که سرمایه‌دار یعنی می‌کند قبول کند.

۳- وضعیت کارگران میدان: نقل و انتقال صوفاها پس از حمل به میدان، توسط کارگران میدان صورت می‌گیرد. کارگران میدان اغلب از ساعت ۶ صبح تا ۶ بعد از ظهر به کار مشغولند و در ارای این مقدار کار، مزدی معادل ۵۰ تا ۷۰ تومان دریافت می‌دارند. ساعات کار در ناستان از این مقدار نیز بیشتر می‌شود و البته در زمستان کاهش می‌یابد.

۴- استثمار کارگران و استثمار آنان توسط سرمایه‌داران و نگاه‌داران، میزان بسیار زیادی صورت می‌گیرد و اغلب با حداقل امکانات رفاهی زندگی می‌کنند و پس از انقلاب نیز تغییر محسوسی در وضعیت آنان داده نشده است.

سرمایه‌داران بزرگ میدان بعلت مشارکت در تجارت خارجی از ورود میوه‌های وارداتی بسیار کلانی به جیب می‌زنند و با در دست داشتن سردخانه‌ها، در تمام فصول میوه‌های گوناگون را به قیمت‌های گزاف، به بازار عرضه کرده و از اینس راه سود بسیار زیادی عاید خود می‌نمایند.

۴- سرمایه‌داران میدان: سرمایه‌داران بزرگ میدان بعلت مشارکت در تجارت خارجی از ورود میوه‌های وارداتی سودهای بسیار کلانی به جیب می‌زنند و با در دست داشتن سردخانه‌ها، در تمام فصول میوه‌های گوناگون را به قیمت‌های گزاف به بازار عرضه کرده و از اینس راه سود بسیار زیادی عاید خود می‌نمایند. در حالیکه بعضی از کارگران مجبورند در سرمای میدان شبها را بخیس بپوشانند، نگاه‌داران استثمارچی از بهترین امکانات رفاهی برخوردارند.

۵- غش‌شورا و انجمن اسلامی: شورای قیمت‌گذاری گرچه از نهادهایی چون اطاق پسته‌وران و دادگاه انقلاب ویژه امور صفی و... تشکیل شده است، اما بیشتر تحت نفوذ نگاه‌داران حاضر در شورا بوده و قدرت اجرایی ندارد و قیمت میوه به خواست نگاه‌داران تعیین می‌گردد.

انجمن اسلامی (متشکل از دو میدان) بسیار کمتر از حد انتظار در جهت تامین منابع کارگران مفید واقع شده و اساساً اقدام قابل‌ذکری انجام نداده است و تنها به کارهای روینایی پرداخته است و تنها کارش آسبم در جهت کمک به جگرزدگان جمع -

اخراج برادران ما از جبهه جنگ مبتنی بر کدام ضابطه است؟

بقیهاز صفحه ۱۱

انحصارطلبی‌شان به خط مقدم جبهه هم سربت کرده است برای ملت مبارز ایران افشاء نمایند. چرا که بخوبی میدانیم یکی از تهدیدهای انقلاب وجود همین جریانات در نهادهای انقلابی است. و نیز بدینی بخشی از توده‌های مردم نسبت به انقلاب و رشد جریانات سازشکار با مستمسک قرار دادن این اعمال تنگ‌نظرانه، ضرورت طرد و تصفیه هرچه سریعتر این عناصر و جریانات را از نهادهای انقلاب پیش از پیش بر ما روشن می‌سازد.

و: هدف ما از طرح مساله: هدف ما از طرح این مساله با توجه به نحوه برخورد و عملکردمان، صرفاً جهت روشن‌ساختن مردم و نیروهای صادق و هشدار به برادران سیاه از خطر رشد این جریانات قشری و انحصارطلب بوده است و در این رابطه بهیچوجه قصد خودنمایی و یا خودستایی و یا خدای ناکرده تضعیف نهادهای انقلاب را نداشته‌ایم، بلکه معتقدیم که خداوند بهترین گواه و شاهد و حسابرس اعمال و نیات ماست. وگفتی بالله حسین! (احزاب/ ۳۹) - ان‌لله یدافع عن الذین امنوا، ان‌لله لایحب کل خوان کفور.

کارفرمایان مستکبره توطئه خود علیه انقلاب ادامه می‌دهند

بقیهازصفحه ۱

فعلی توطئه‌های دیگری را طرح و اجرا نمودند که ما در زیر به آنها اشاره می‌کنیم باشد را در روند اصولی انقلاب اسلامی مان مقید و موثر باشد.

۱- اخراج دسته‌جمعی کارگران: کارفرمایان بنا به ماهیت پلید خود همیشه و در حال حاضر با شدت هرچه تهاجمی با استفاده از حکم تخمیلی رژیم مزدور عراق کارگران انقلابی را که در زمان انقلاب خود را نشان داده بودند و نیز کارگران قدیمی را با این خیال که اگر قانون کار متناسب با انقلاب تصویب شود، مزایای بیشتری بوی آنها علق می‌گردد، با استناد به ماده ۳۳ قانون کار طاقوتی کارگران را دسته‌جمعی اخراج می‌نمایند با این کار با ایجاد ناراضیاتی و بحران در میان کارگران ضربه بزرگی به انقلاب می‌زند. اینها همسدا با صدام باسپانه‌های بجای، کارگران را بی‌خانمان می‌نمایند. کارگران با مراجعات مکرر به مسئولین نتیجه - ای از آنها نمی‌گیرند و با مراجعه به اداره کار و شکایات متعدد مایوسانه از آنها برمی‌گردند. ما بیکار دیگر نیز طی نامسای، خطر اخراج کارگران - عواقب آنرا به مجلس و مسئولین متذکر شدوام، اینک نمونه‌ای از اخراج کارگران به دست کارفرمایان پلید را ذکر می‌کنیم:

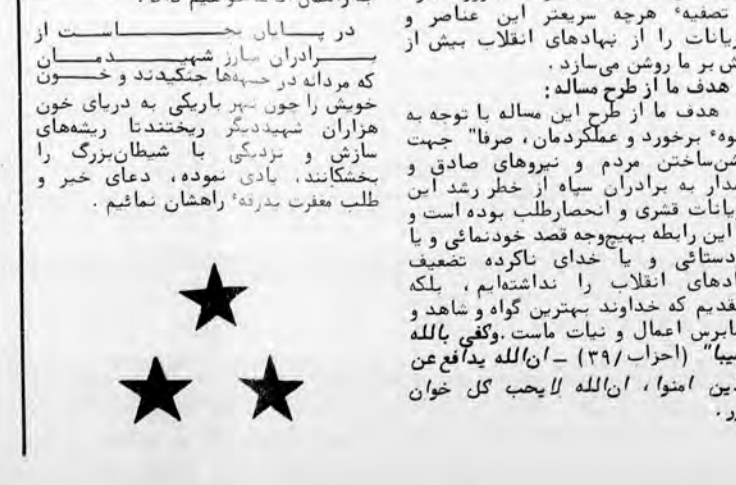
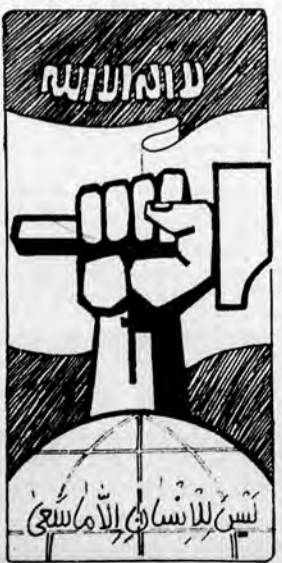
۱- کارخانه آجرقشاری پروژو ۱۵ نفر
۲- کارخانه آجرقشاری درخشان ۶ نفر
۳- کارخانه آجرقشاری پیمان ۱۰ نفر
۴- کارخانه آجرقشاری فیروز صادقان ۱۵ نفر
۵- کارخانه آجرقشاری حافظ ۱۲ نفر
۶- کارخانه آجرقشاری بهار ۱۰ نفر
۷- کارخانه آجرقشاری مقدم ۶ نفر
۸- کارخانه آجرقشاری نادری ۱۲ نفر

۲- با شروع فصل کار کوره‌بازخانه‌ها که باید کارفرمایان اقدام به خاکریزی نمایند، از اقدام به این کار سر باز می‌زنند. با این کار می‌خواهند به چند هدف پلید خود برسند: اول - عدم بیکاریی قائلبداران که تعداد کثیری از کارگران را تشکیل می‌دهند، برای بدین کردن آنها به جمهوری اسلامی و بیکار کردن آنها. دوم - با دستاویز قرار دادن اینکه اسامیل خشت نزدایم، زمین را برای بالا بردن قیمت آجر فراهم نمایند تا اینکه بتوانند خشت‌هایی را که سال گذشته با قیمت ارزان انبار زده‌اند به قیمت بالا بفروش بپوشانند.

۳- بدینال تشکیل شوراهای مالکان و فتووالهای کشاورزما برهیری ایزدی فتووال معروف و وزیر سابق دولت موقت برای بازگرداندن زمینهای تقسیم‌شده بین کشاورزان که در تهران جمع شده بودند، شایع است که اربابان کارگرما نیز برای عقب نماندن از این قافله در تهران گرد هم آمده‌اند و با تماس با بعضی مسئولین دفاتر لبرالها و سازشکاران که قول همکاری به آنها داده‌اند، قصد دارند بساط گذشته را دوباره باز کرده و کارگران را هرجه بیشتر استثمار کنند.

ما این مسائل را برای هرجه بیشتر در جریان قرار گرفتن امور با مردم مسلمان تهریز در میان می‌گذاریم و بار دیگر توجه مقامات ذصلاح را به این مساله جلب نموده و از آنها می‌خواهیم پیش از این در مقابل توطئه‌های این عناصر خائن ساکت نشینند.

با درود به رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی مرگ بر امپریالیسم امریکا و دوستان داخلی و اتحادیه شوراهای اسلامی کارگران کوره‌بازخانه‌های تهریز و حومه



امت

مقوله‌های اساسی مکتب

صورت تازه‌ای تبدیل شده است. البته چنانکه پیشتر هم یادآور شدیم همراه با تغییر شکل پدیده کیفیت و وضعیت دو قوه متضاد هم متحول می‌شود، بطوریکه جلوه‌های این دو قوه در هر پدیده‌ای بصورت خاصی است.

درست است که تضاد مقوله‌ای فلسفی است و وسیله‌ایست برای تبیین حرکت و تحول و تکامل پدیده‌ها اما واقعیت و مصداق عینی مستقل از ذهن دارد اصطلاح فلسفی را با معنای متعارف آن بکار بریم، والا باید می‌گفتم تضاد مقوله‌ای است "حقیقی" یعنی با واقعیت مستقل از ذهن انطباق و سازگاری دارد، از این نظر می‌گوئیم مقوله‌ای فلسفی است که نشان دهنده هنوز نمی‌توان در تجربه علمی (مصطلح آنرا نشان داد و ثابت کرد. بر اساس تعاریف مکتبی ما از حقیقت و واقعیت و علم چون این قاعده از واقعیت مستقل از ذهن برخاسته برداشتی حقیقی است و درجه حقیقی بودن آن با قدرت تبیین مسائل و توضیح حوادث اثبات می‌گردد. اگر امروز با روش مشاهده و تعقل آنرا در می‌یابیم مانعی نیست که فردا با روشهای دیگری چون تجربه بمعنای اخسی

علمی "هم ثابت نشود. در تضاد دیالکتیک ماتریالیستی اصلت یا تضاد است زیرا جر ماده حقیقی برای جهان نمی‌شود و ماده هم بدلیل محدودیت و نسبی بودن خود محکوم به حرکت بر پایه تضاد است لذا هرگز نمی‌تواند جای خود را به توحید بدهد. ماتریالیسم دیالکتیک با این نگرش به جهان در تبیین حرکت تکاملی به بن بست و تناقضی گویی می‌انگیزد. در ماتریالیسم دیالکتیک ناچار ماده را عامل وحدت دهنده به جهان گرفته‌اند، یعنی عامل وحدت اشتراک در جهان ماده نیست که خود دستخوش تضاد و کثرت دائمی است. اما در پیش توحیدی وحدت جهان مادی مربوط به هستی مطلق است کدر کلیه"

برداشت ما از تضاد، با تضاد دیالکتیک ماتریالیستی فرق دارد، ما در پیش توحیدی اصلت را به توحید می‌دهیم نه تضاد. اساس جهان بر وحدت اراده و قانون و وحدت منشأ و غایت نهاده شده است.

پدیده‌ها نفوذ دارد و جاری است و منشأ و مقصد آنها بشمار می‌رود. امام علی ابن ابی طالب در نهج البلاغه، خدا را عامل مشترک و جمع کننده قوای متضاد (دوام وجودی) در هر پدیده می‌داند "مولف بین متضاداتها و مقارن بین متضاداتها، مقرب بین متضاداتها جمع کننده شده‌ها و هم نشین امور متضادین و نزدیک کننده امور دور از هم معرفی میکند. حاکمیت اراده خدا بر جریان و حرکت و تضاد در کلیه پدیده‌ها است که به هدف - داری و اصلت وجه آزاد کننده اصلت می‌بخشد به ما کمک می‌کند تا به حق در برابر باطل و به توحید در برابر تضاد اصلت دهیم "در صورتی که در چارچوب دیالکتیک ماتریالیستی، نظم واحد جهان. حرکت هدف دار و اصلت وجه حق یا آزاد کننده بهیچوجه قابل تبیین و اثبات نیست. وقتی اساس وحدت جهان ماده بود که خود حاوی تضاد و سرچشمه کثرت است چگونه میتوان به وحدت رسید، مگر آنکه قائل شوند که روزی تضاد بگلی از ماده رخت بسری می‌بندد. و چون تحقق وحدت در ذات ماده ممکن نیست (ماده با حرکت و تضاد همراه

است) تنها با اتکا به عامل وحدتبخش که خارج از زمان و مکان و محدودیت است و تحول پذیر نیست تا به تضاد نیاز داشته باشد یعنی خدا می‌توان، وحدت در عین تضاد را واقعی بیداشت. زیرا چنانکه امام علی او را وصف کرده است "الذی لایحول و لایزول و لایجوز علیه الاقول. و لم یولد فیصیر محدودا...". ولا یتغیر بحال و لایتبدل فی الاحوال ولا تلیه الیالی والا یام. نهج البلاغه خطبه ۲۳۸.

قبول حاکمیت خدا بر کل هستی و رسوخ و احاطه وی بر کلیه پدیده‌ها، موجب می‌شود که جهان را یک مجموعه واحد و تابع اراده و قانون واحد نگریم از تقسیم آن به جهان‌های چندگانه مادی و معنوی طبیعت و

ماوراء طبیعت که بینشی ارسطویی است خود-داری کنیم. بر همین اساس است که حرکت و تحول را ما هم در پدیده‌های مادی و هم معنوی می‌شناسیم. بعضی چنین تصور میکنند که وقتی از پدیده‌های معنوی صحبت می‌شود یا در قلمرو خدا گذاشته ایم و هرچه درباره این نوع پدیده‌ها بگوئیم دامن گریزانی خدا را فرا می‌گیرد. لذا حاضر نیستند حاکمیت قوانین جهان مادی را در قلمرو معنایی بپذیرند. منظور این هست که قوانین آیندو نسوخ پدیده‌ها گاملا "یکسان اند، در صورتیکه ماده و معنا هر دو مخلوق خدا هستند و لذا تابع نظم واحدی که خداوند بر کل جهان جاری و حاکم کرده است. ملا صدرا با ارائه نظریه معروف خود درباره پیدایش روح از تکامل ماده، بر این تصور و اندیشه ارسطویی خط بطلان کشید. وی متذکر شد که روح در مراحل عالی تکامل از ماده پدید می‌آید. بدین ترتیب اصل تحول و تبدل پذیری پدیده‌ها را مورد تأیید قرار داد و تصریح کرد که ماده و معنا در اصل از یک منشأ صادر شده یکی تکامل یافته دیگری است یعنی حرکت و تحول نه تنها

در ماده که در قلمرو معنا هم راه دارد، و فکر و اندیشه و دیگر مقوله‌های غیر مادی هم پدیده‌های متحول و متحرک بودند، لاجرم اصل تضاد بر آنها حاکم است. ممکن است بگویند مقصود از ماوراءالطبیعه خداست آیا در آنجا هم حرکت و تضاد راه دارد، جواب اینست که "اولا" خدائیکه جایگاهش در ماوراء طبیعت است خدای قرآن یا آن واقعیت واحد و مطلق و مستقل از ذهن نیست، بلکه خدای ذهنی فیلسوفان ایده‌لیست است خدای قرآن در همه جا هست. در درون و بیرون هر پدیده. قبل از آن بعد از آن و همراه با آن، ثانیاً در این خدا حرکت و تضاد راه نیست که گفتیم مطلق است و نیازی به تحول ندارد. ثالثاً، اگر اموری چون اندیشه و فکر و روح و معنویات را در قلمرو ماوراء طبیعت جای دهند و از طبیعت و ماده جدا کنند خواهیم گفت که در این قلمرو هم حرکت و تضاد وجود دارند، در همین جا به ایراد دیگری هم جواس داده شد و آن اینکه وقتی از حاکمیت قانون حرکت و تضاد در قلمرو امور غیر مادی - فکر و روح - صحبت می‌کنیم بهیچوجه نفی جاودانگی اصول و مبانی عقیدتی نشده است زیرا این اصول در حقیقت بیان همان نظم و سنت‌های ثابت حاکم بر جهان اند که از منبع اصلی آن بطریق وحی صادر شده‌اند. عبارت دیگر حرکت و تغییر در بیان واقعیت تغییر (اصل تغییر) راه ندارد، اگر قرار بود

تضاد در این اصل هم دستخوش تحول و تغییر گردد، باید روزی بجای حرکت و تحول سبوت و سکون بر پدیده‌ها حاکم باشد تعالیم اساسی وحی از آن جهت ثابت و تغییرناپذیر اند که بیان سنت‌ها و قوانین ثابت و مستقل از ذهن می‌باشند. آنچه دستخوش تحول و تضاد است فکر و اندیشه ما و روح و معنویات

قبول حاکمیت خدا بر کل هستی و رسوخ و احاطه وی بر کلیه پدیده‌ها موجب می‌شود که جهان را یک مجموعه واحد و قانون واحد نگریم از تقسیم آن به جهان‌های چندگانه مادی و معنوی، طبیعت و ماوراء طبیعت، که بینشی ارسطویی است خودداری کنیم.

حرکت کلیه پدیده‌ها در همه اعمار و قرون، یک قانون و نظم واحدی حاکم است که بدی و لا یتغیر می‌باشد. انسجام و وحدت ایدئولوژی و تشکیلات و اساس و پایه تشکیل امت واحد هم برایمان به این نظم و قانون واحد و عمل‌بدان است. ادامه دارد

مصدق کلام خدا هستند که والسابقون الاولون من المهاجرین والانصار والذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوانه واعده لهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدان ذلک الفوز العظیم "توبه آیه ۱۰۰ - پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که آنانرا در کار نیک دنبال و همراهی کردند، خدا از ایشان خشنود و آنان از او راضی هستند و خدا برایشان باغهایی که نهرها در آن روان

پیشگامان مبارزه مکتبی، صلاحیت خود را در یک تجربه طولانی و پرنج و درد و سختی و دشواری کسب کرده‌اند. یعنی هر سابقه‌های هر اندازه طولانی نمی‌تواند به خودی خود معیار و شاخص صلاحیت باشد. افراد زیادی هستند که سابقه شرکت آنان در فعالیتهای سیاسی به بیست و سی و چهل سال هم میرسد، یعنی در سی یا چهل سال قبل در مبارزه شرکت جسته‌اند و لذا ممکن است با اتکا به این سابقه مدعی بشکامی و صلاحیت رهبری باشند، یا کسانی از مردم آنانرا دارای چنین صلاحیتی بیندارند، در صورتیکه می‌بینیم در عمل بگلی فاقد چنین صلاحیت و کیفیتی می‌باشند غلتش آنگونه که سابقه‌های ایجاد صلاحیت نمی‌کند. کسیکه در سی سال پیش برای مدتی در شرایط مساعد و حتی نامساعد مبارزه کرده و سپس با سخت شدن و پیچیده شدن شرایط کنار کشیده و در کنج عافیت لمبیده و آرمیده و اکنون که موقعیتی مساعد پدید آمده مجدداً با میدان سیاست گذاشته است، از زمره آن سابقون که در مکتب آمده نیست. درجه صلاحیت فرد مربوط به اینستکه در درازمدت تا چه اندازه و عمقی حیات خویش را با آرمانها و اهداف مکتب و رنجها و آرزوهای توده‌ها و درگیری و دشمنان خدا و خلق، آشنا کرده است و تا چه اندازه در دفاع از مظلومان و بیگارها و ستمگران و پافشاری بر روی اصول شرافت و عدل و حفظ ایمان و کار برای خدا از خود

استقامت نشان داده است. سابقه‌های حائز ارزش است که آکنده از تلاش و مبارزه، مقاومت و سرخستی، تحمل رنج و محرومیت آندوه و درد و حقلطبی و عدالتخواهی باشد. این افراد از سابقونی هستند که قرآن نام می‌برد و مقرب درگاه الهی می‌شناسد و در صف مقدم کاروان پرنشاط انسانیت بسوی حق جای میدهد. بقیه که سابقه و صلاحیتی کمتر دارند در پشت سر سابقون قرار می‌گیرند. این پیشانیان نبرد تاریخی و بی‌وقفه توحیدی علیه استکبار و برای تحقق عدالت و آزادی و محو نابودی شرک و استغراف اند که با پی‌گیری و استمرار در راه حق و تحمل رنجها و محرومیت‌ها، در کوره حوادث سخت، هر دم پاکتر و خالص‌تر از پیش، یک‌گام بسوی خداگونگی جلو می‌گذارند و هرچه بیشتر می‌روند عشق به دیدار حق "لقاءالله"، و پیوستن به دریای رحمت که آزادی و رستگاری است، در قلبشان بیشتر شعله می‌زند و بر استقامتشان می‌افزاید. این گروه

مقدمه‌ای بر: مسئله تشکیلات و سازماندهی

تشکیلات از دیدگاه جهان بینی توحیدی

مبارزه مکتبی بمبودن یک جاده هموار آسفالته، سوار بر اتومبیل بی‌عیب و نقص نیست، بلکه راهی است پر سنگلاخ و پیچ‌وخم دار. ممکن است لازم باشد فرسنگها راه بدون آبادی یا قهوه‌خانه و چشمه‌ساری از گذرگاههای صعب و بیابانهای خشک و دره‌های پرپیچ‌وخم بگذرد. ایستادگی و استقامت بسیار لازم است تا خستگی و یاس بر انسان غلبه نکند. آگاهی و ایمان عمیق و انگیزه‌های خالص توحیدی لازم است تا انسان علیرغم بعد صافت و دوری هدف و دشواری راه و ناچیزی توشه و کمی یاران و محصور در میان دشمنان و بدخواهان و منافقان و عهدشکنان و دوستان ستاراده

رده‌بندی در تشکیلات مکتبی بر مبنای سابقه و صلاحیت انجام می‌گیرد و آنانکه در صف‌های مقدم و پیش‌تاز در مبارزه مکتبی هستند، طبیعتاً نقش بنیشتی در امر هدایت و رهبری تشکیلات بر عهده خواهند داشت

و رفیقان نیمراه و با خوردن ضربه‌ها از روبرو و خنجرها از پشت و طعنه‌ها از پهلو، همچنان استوار و برآمید و تزلزل‌ناپذیر به راه ادامه دهد و از طلمت‌ها و سرزنش‌ها نرنجد. تهمت‌ها را بجان خرد، از شنیدن ضعفها و خطاهایش خشمگین نگردد، بجای کینه‌جوئی، به اصلاح خود و خط خود پردازد و هنگامی که مطمئن بود برحق است، اگر در میدان بی‌گانه بیگار که برق سلاحها و نیزه‌های خصم چشمها را خیره می‌سازد، تنها ماند، نترسد و نلرزد، بلکه استوار بایستد و با چشمان جهش‌ناپذیر، هم‌آهنگی همه قوای تکامل‌پوی جهان را با خود ببیند و خود را تنها حس نکند. پس سابقه‌ای که در آن استمرار پوی گری و استقامت بچشم می‌خورد و طی آن فرد راهی مستقیم و بی‌عوجاج را پشت سر گذاشته است، مسلماً یک شاخص مهم صلاحیت و پیشگامی است که بحق فرمود "السابقون السابقون اولئک المقربون" واقعه/ ۱۱-۱۰



ان مع العریضات ما یروزی

بر مسئولین اجرایی مخصوصاً وزیر کار میباشد که تصمیم‌گیری قاطع و عاجلی در جهت قطع دست سودجویان که سالیان دراز به چپاول و غارت مشغول بوده‌اند، و حتی اکنون نیز خود در خارج از کشور هستند ولی توسط ایادی و عوامل خود به این چپاول و غارت ادامه میدهند بنمایند و از این طریق ریشه‌های نارضایتی را از بین ببرند، چه در غیر اینصورت نمیتوان از مردم امید و انتظاری داشت.

بقیه از صفحه ۳

کمیته جای باید نماینده واردکنندگان، توزیع کنندگان بزرگ، شرکت‌های مستعیندی کسبه و فروشندگان جزو جای باشد.

این کمیته صورتحساب پارتی (حس درخواستی) را از خریدار یا سرمایه‌دار تحویل گرفته و هزینه‌های اضافی را که سرمایه‌دار در حین ورود کالا متحمل شده به وی برمی‌گرداند. این هزینه‌ها عبارتند از:

بودن قیمت‌ها در داخل وجود ندارد، سرمایه‌دار می‌تواند از خود خود را از کشور خارج نماید. شیوه عمل بدین گونه است که خریدار با تاشی با فروشنده، کالای

حیله‌های سرمایه‌داران در تجارت خارجی

شیوه دیگری که سود شراری به حیث سرمایه‌داران واردکننده می‌ریزد، چنین است که کمیته خرج‌های اضافی که برای وارد کننده بوجود آمده را پدیرفته و به وی مسترد می‌دارد. از جمله این هزینه‌ها همانطور که در بالا آمد، تنزیلی است که به وام بانکی واردکننده تعلق می‌گیرد. چگونگی امر بدین قرار است که هر سرمایه‌دار یا شرکت علاوه بر سرمایه اصلی خود، اعتباری نیز با توجه به موقعیتش در بازار نزد بانک دارد که می‌تواند با بهره ۲/۵ درصد از آن استفاده نماید. حال با توجه به اینکه کمیته بهره تنزیل را به واردکننده می‌دهد، وی دیگر سرمایه اصلی خود را در زمینه واردات نگار نینداخته، در زمینه های داخلی فعال می‌نماید و از اعتباری که بانک در اختیارش می‌گذارد، استفاده نموده و سپس مقدار تنزیلی که در این رابطه باید به بانک بدهد را از کمیته دریافت می‌دارد و از آنجائی که در شرایط حاضر و خصوصا با توجه به جنگ و محاصره اقتصادی هیچگونه احتمال ضرری برای ورود کالا موجود نمی‌باشد، عملاً واردکننده سرمایه خود را برای تجارت، چند برابر نموده است و از این طریق مبالغ هنگفتی سود که حتی ناشی از سرمایه وی هم نباشد و فقط بدلیل اعتباری است که بانک‌های به اصطلاح اسلامی!! برای وی قائل میشوند، بحیث میزند. وجه بسیار از این افراد که طرف این مدت سرمایه‌هایشان چند برابر گردیده است، در قسمت بعد بیان خواهد شد که حسی که از این طریق وارد میشود، به چه طریق توزیع میگردد. سودی که کمیته برای واردکنندگان کالا

کمیته‌ها از لحاظ قانونی باید نماینده واردکنندگان، توزیع کنندگان و کسبه فروشنده باشند، لیکن در عمل بدلیل وابستگی کمیته فروشنده به توزیع کننده و واردکننده کالا، عملاً توزیع کنندگان بزرگ و واردکنندگان بر خریدار فروشان نفوذ داشته و برای انتخاب اعضای کمیته، نجات باصطلاح بانفوذ تعیین می‌گردند و چون کمیته‌ها از این چنین افرادی انتخاب میشوند، در صورت صورتحساب پارتی دقت بخرج نداده و سادگی از کنار آن می‌گذرند.

مستقیم با سرمایه و اعتبار واردکننده می‌باشد، و بازم مصرف کننده و ملت مستضعف است که باید ناوان جنس سوده‌های شراری را بدهد.

۴- چه باید کرد؟

اینجاست که مردم است استفاده از حسن حسنی در تجارت خارجی در ایجاد تورم در سطح جامعه و خروج ارزهای کشور و احتکار نسبی کالا اثر مستقیم دارد، در نتیجه از سرمایه‌های بارز صافی مردم را بالا می‌برد.

خریدار با سستی با فروشنده، کالای مورد درخواست را با قیمت بالاتر به ایران پیشنهاد می‌نماید، بانک بر اساس قیمت‌های پیشنهادی، ارز مورد نظر را در اختیار سرمایه‌دار واردکننده می‌گذارد و سرمایه‌دار داخلی با ارسال ارز گرفته شده به فروشنده، مبلغ اصلی فروش را برداشته و بقیه را به حساب واردکننده در خارج واریز می‌کند.

ندیدی است هکامکه مردم اثر عیبی بیروزی انقلاب اسلامی را در زندگی خود مشاهده نمائید، از اغلاب دلسرد شده و در نتیجه باس حاکم بر آنها، صحنه بیکار انقلاب علیه امپریالیسم را ترک خواهند نمود و آنروز آرزوی امپریالیستها تحقق یافته، مرگ انقلاب را به همراه خواهد داشت.

از آنجا که در امت شماره ۹۲ چارچوب طرح ملی کردن تجارت خارجی را عنوان نموده‌ام، ضرورتی به طرح مجدد آن نمی‌بینم، لیکن وجود چس روابط نیجده‌ای برای ورود کالا و در اختیار و کنترل گرفتن آن توسط سرمایه‌داران وابسته یقیناً طرح ملی کردن تجارت خارجی را دچار اشکال خواهد نمود و به اسام روابط سرمایه‌داری وابسته کمک می‌نماید خصوصاً آنکه سرمایه‌داران با اصطلاح مؤمن!! و حامیان قشری آنها با ایجاد سازمان اقتصاد به اصطلاح اسلامی، سعی بر آن دارند که بتدریج تجارت خارجی را در انحصار خود درآورده و از این طریق امکان عملکرد متمایز جریانات را نیز محدود نمایند و با شرعی نشان دادن این گونه تجارت، راه جیاول خلق و نفوذ تدریجی امپریالیسم را باز گذارند، و از طرح ملی کردن تجارت خارجی جز پوسته‌های بی‌محتوا باقی نگذارند تا باز هم روابط سوده‌های شراری باقی بماند. لیکن بگذار سرمایه‌دارها حلیه کنند، بگذار مسئولین همچنان بدنبال واگذاری تجارت خارجی به سرمایه‌داران مؤمن!! باشند و آنها را برای دست گرفتن تجارت خارجی ترغیب و تشکل نمایند و مگرو و مگرو والله خیر ماگربین. ولی راه نوده‌ها از مسیر جریانات سازشکار و قشری حاداست، آنها با استفاده از رهنمودهای امام مصمم به تدویم انقلابند و خط انقلاب را هرگز در مسئولین تمام نده بدیده و نی‌دانند. امت مسلمان و بهرام ما در خط اسلام اصل بی‌گیر و مداوم بر تدویم انقلاب پای خواهند فشرد. ماند تا با حاکمیت مستضعفان، مسکبران تاریخ به زیر آمده، زمینه محو سستم امپریالیستی فراهم گردد.

اختصاص می‌دهد. قابل توجه است که درصد مزبور شامل پارتی‌های تمام تجار می‌گردد و کل واردات کالای مزبور در شهر را در بر می‌گیرد. از طرفی دقت زیادی نیز صرف نمی‌گردد، چرا که اکثرًا به عمده - فروشان تحویل میگردد. نکته مهم دیگری که وجود دارد این است که تمام کالای وارد شده توسط کمیته با سود تعیین شده فروخته نمی‌شود، بلکه درصدی از آن در اختیار واردکننده‌های که خود توزیع کننده باشد قرار می‌گیرد تا بطور آزاد در بازار بفروش رساند. این قسمت از کالا در بازار سیاه غرض می‌شود و علاوه بر اینکه خود بزرگترین عامل گرانی و احتکار در برادرند، چرا که اکثرًا توسط دلالها به دو برابر قیمت آزاد خریداری میگردد. در مورد واردکنندگان جای درصد فروش آزاد ۱۰٪ کالای وارد شده میباشد که واردکننده خود اقدام بفروش آن می‌نماید. در ضمن



در نظر گرفته است، بسیار بالا میباشد. چرا که مقدار حسی که وارد میشود بسیار زیاد بوده و در نتیجه درصد کمی که برای آن سود تعیین نمائیم، مبلغ بسیار هنگفتی سود برای واردکننده دربر خواهد داشت. بطور مثال درحال حاضر سود واردکننده ۲۰٪ میباشد که با توجه به اینکه هر پارتی (درخواست یا سفارش) حداقل ۵۰ الی ۷۰ تن میباشد، مبلغ سود، رقم بسیار

داشته و برای انتخاب اعضای کمیته، تجارت به اصطلاح بانفوذ تعیین می‌گردند و چون کمیته‌ها از این جنس افرادی انتخاب میشوند، در مورد صورتحساب پارتی (کالای درخواستی) دقت بخرج نداده و سادگی از کنار آن می‌گذرند و بعول یکی از آنها کم و زیادش (صورتحساب) زیاد فرق نمی‌کند. یکی از تجار می‌گفت ما صورتحساب یک پارتی را در پشت پاکت برای کمیته فرستادیم.

۳- حیله‌های سرمایه‌داران در جیاول مستضعفان

از آنجا که قیمت جنس خریداری شده توسط فروشنده خارجی اعلام می‌گردد، و سیستم کنترل صحیحی برای کنترل واقعی

شرکتهای تعاونی مسافری و مشکلات آنها

هر چند که مساله شرکتهای تعاونی مسافری و ترمینالها و مشکلات مربوط به آنها بارها مطرح شده، ولی متأسفانه عدم برخورد فعال و اصولی مسئولان باعث شده تا مشکلات همچنان پابرجا بمانند، لذا برای توجه دادن مسئولین به این مشکلات، لازم بود تا یکبار دیگر مسائل مربوط به آن مطرح شود.

کتاب زدند. یکی از نمونه‌های بارز این امر در شرکتهای مسافری و ترمینالها میباشد. پس از انحلال شرکتهای مسافری قبلی و تشکیل تعاونیهای جدید، منافع سرمایه‌داران و کارفرمایان قبلی بخطر افتاد و تاحدودی از بین رفت. علت این امر این بود که تعاونیها اغلب با سرمایه‌های خود کارگران و رانندگان و کارکنان این شرکتها بوجود آمده بود. لذا از همان آغاز تشکیل این تعاونیها، کارفرمایان سابق شروع به کارشکنی در راه این تعاونیها کردند و در این راه از هیچ اقدامی فروگذار ننمودند. از تهدید تعاونیها و جماعتداری تا جلب حمایت دستگاههای اجرائی. در این میان سرمایه‌داران شرکت ایران بیامی سابق یعنی آقایان زندی‌ها، گوی رقابت را از دیگران ربودند و در این امر پیشتاز شدند. آنها در دوران طاغوت با نزدیکی به دربار و سهم کردن آنها، موفق به تاسیس شرکت نایق ایران پیمان شدند و سرمایه‌های بیشتر دیگری نیز از قبیل کارخانه اطاق سازی انبوس و زمینهای زیادی را بچنگ آوردند و در استعمار کارکنان شرکت از هیچ اقدامی فروگذار نکردند. متأسفانه هم اکنون بجای مصداق ادره‌های اموال بیت‌المال و بازگرداندن آنها به جای خود سکوت مسئولان و حتی حمایت بعضی از مسئولان را نیز از آنها شاهد هستیم.

شرکت تعاونی درآمدند ولی در این استخدام سوابق کار و حق بیمه مستخدمین در نظر گرفته نشده، در حالی که اینها در نظر شرکت سابق سالیان دراز سابقه خدمت داشته‌اند. حتی افرادی هستند که بیش از ۳۰ سال سابقه دارند. کارکنان شرکتهای تعاونی در این رابطه به وزارت کار شکایت بردند. وزارت کار پس از رسیدگی به شکایت آنها، خواسته‌هایشان را حق تشخیص داده و پرداخت حقوق گذشته و سابقه کار و حق بیمه را بعهده کارفرمای سابق یعنی آقایان زندی‌ها دانست. پس از این مرحله آقایان کارفرما با نفوذ در وزارت کشور و جلب حمایت آن وزارتخانه، نامه‌ای را از وزارت کشور خطاب به وزارت کار تهیه کردند مبنی بر اینکه با استناد به ماده ۳۳ قانون کار و با توجه به شرایط این کارکنان، کارفرما فقط موظف است تا ۱۵ روز حقوق کارگران را پرداخت کند. و به این وسیله کارکنان شرکت تعاونی را عملاً خلع سلاح نمودند و دست آنها را از مراجع قانونی کوتاه کردند. از وزیر کشور باید پرسید که چگونه است که در جمهوری اسلامی، دستگاههای اجرائی به حمایت کارفرمایان و سرمایه‌داران در برابر کارگرانی که بعضی از آنها بیش از ۳۰ سال سابقه دارند و توانایی ادامه کار را ندارند و حتی بعضی نیز نقص عضو پیدا کرده‌اند و هیچگونه تائیدی برای آینده خود ندارند، می‌پردازند؟ مراجع مکرر کارکنان به ادارات و مراجع قانونی هیچ‌شمی جز یاس و ناامیدی از دستگاههای اجرائی برایشان نداشته است. کارکنان از خود سوال میکنند تا کی باید در برابر خیانتهای سرمایه‌داران سکوت کنند؟

دست جب، لطف‌الله زندی مدیر کارخانه اطاق سازی انبوس حاج رضایندی: یکی از سهام داران شرکت مسافری و کارخانه قدیم آقای مهدی‌قلی زندی یکی از سهام داران که مدت ۵ ماه در فرانسه است، با آقای عالیخانی وزیر اقتصاد اسبق که فراری است، با تاشی، شاه را می‌آورند در نمایشگاه انبوس که عکس بگیرند و بوسیله عکس پشت بلیط قرار میدهند و سالهای سال استثمار می‌گردند و شایعه می‌گردند که دربار شریک ماست.

کارفرمایان قبل از ایجاد تعاونی، زمین بایری خارج از شهر (بالتر از سهرای تهران پارس) تهیه کرده و بدون اجازه شهرداری اقدام به ساختن ترمینال میکنند. شهرداری نیز بعلت اینکه وجود چنین ترمینالی رفاه مسافران شمال را تأمین می‌گردد، لذا جلوگیری از کار کارفرما نمی‌کند. تا قبل از تشکیل تعاونی قسمت اعظم کارهای ترمینال انجام شد، از بدو تشکیل تعاونی، کارفرمایان حاضر به اتمام ساختمان ترمینال که مقدار کمی از آن مانده



بود نشدند، چرا که در صورتی که ترمینال آماده بهره‌برداری شود، آنها نمی‌توانند استفاده کنند بلکه مردم و شرکت تعاونی از آن استفاده می‌نمایند. این آقایان حتی حاضر نیستند ترمینال را با وضعیت فعلی - اش به تعاونی اجاره دهند تا حداقل مردم در رنج و عذاب نباشند. مراجعات بی‌دری کارکنان تعاونی به استانداری، شهرداری و... موثر واقع نشده و حتی شهردار شهران در یک برخورد تند جنس مطرح بقیه در صفحه

* خودسازی انقلابی *

بر پایه شناخت ویژگی- های انسان طراز مکتب از دیدگاه امام علی

با دقت در برخورد های روزانه حالات فوق را بهتر درک می کنیم. صبح روزی که قرار است به کوه برویم در رختخواب غلغله زده با خود میگوئیم "ایکاش" وعده نکرده بودم. در کوه بهنگام سرد شدن هوا، لیز خوردن روی یخها و احساس سختی، گرسنگی، تشنگی، گم شدن، بخردن و سقوط کردن بارها با خود میگوئیم کاشکی هرچه زودتر برگردیم. در خانه بهنگام غذا همیشه آرزوی بهترین و خوشمزه ترین غذا را داریم و "دلمان" می خواهد تا میتوانیم بخوریم. بهنگام خرید لباس، شیک ترین را می خواهیم.

مجموعه تمایلات فوق یعنی خودپرستی، زیاده خواهی، برتری طلبی، راحت طلبی، شکم پرستی و شهوت پرستی و جاه و مقام پرستی در ادیان بنام "تمایلات نفسانی خوانده شده است

مهار نفس را از کف داده، تسلیم بلندی و پستی و حیوانیت و بهیمنیت گردد، پانکار شود (وقد خاب من دسیها).

بزول وحی، بعثت پیامبران، عبادات و احکام، دعا، نمازهای واجب و مستحبی، روزه، حسی و ذکات، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، صلح رحم، ایمان، انکار، ... دیگر رهنمودهای ادیان الهی همگی در جهت باری کردن بعد الهی "ادی در غلبه بر تعد سطنای انسانی است".

اعمال و افکار و اندیشه ها، سلاطین و تکابوی شاهنوردی ما، شرکت در کارهای مکتبی - تشکیلاتی نظیر شعار و مقاله و گزارش نویسی، اعلامیه و پوستر تراکت به در و دیوار جیباندن، کوهنوردی و ورزش کردن، شرکت در مینتنگها و نظارها و پیاده روی ها، تفکر و جمع بندی کردن، فراگیری مهارت های فردی و فنون نظامی، شرکت فعالانه در جریان کارهای تولیدی همه و همه کاتالهای است که باید وجه خدایی شخصیت ما را در این سارزه سهمگین و جانفرسا تقویت کند و الوهیت ما را عنینت بخشد، در غیر این صورت همه آنها بوج و بیپوده و عبث است و پشیزی نمی آرد.

در آید تلو زو زهای الهی با بوجه به اینکه غلبه دوم بر وجه اول سازمند شناخت و تفکر و کوشش و جهاد مستمر است، هر فردی که بر بعد شیطانی شخصیت خود تسلط یابد و آرزوهایش را کنترل کرده از سلط عزایز و امیال حیوانی دور شود "انسان طراز مکتب" یعنی صالح و متقی محسوب میشود.

اعمال و افکار و اندیشه ها، تلاش و تکابوی شاهنوردی ما، شرکت در کارهای مکتبی - تشکیلاتی نظیر شعار و مقاله و گزارش نویسی، اعلامیه و پوستر و تراکت به در و دیوار جیباندن، کوهنوردی و ورزش کردن، شرکت در مینتنگها و نظارها و پیاده روی ها، تفکر و جمع بندی کردن، فراگیری مهارت های فردی و فنون نظامی، شرکت فعالانه در جریان کارهای تولیدی همه و همه کاتالهای است که باید وجه خدایی شخصیت ما را در این مبارزه سهمگین و جانفرسا تقویت کند و الوهیت ما را عنینت بخشد، در غیر این صورت همه آنها بوج و بیپوده و عبث است و پشیزی نمی آرد.

بیمارت ساده تر چون شرط و زمینه بروز حالات حیوانی و غلبه بعد شیطانی در انسان بسیار زیادتر است * باید گفت گرایش در آدمی هست که همیشه خوابیدن را بر بیداری، نودستن را بر ایستادن، مسافرت یا هواپیما را بر مسافرت با اتوبوس مشهور بودن را بر گمنامی، برخوردی را بر کم خوری، انتقام را بر چشم پوشی، اسراف را بر مانه روی، خودنمایی را بر تواضع، برده داری را بر پارسائی، تکرش شهوانی را بر حیای چشم، استراحت را بر فعالیت، تفریح کردن را بر کار کردن، راحت بینی و آرامش و آسایش و لذت بردن را بر سختی و رنج و مرارت و ناملایمات و زندگی "جاودان" را بر برگ ... ترجیح میدهد.

"دل"، "میل"، "هوای نفسی انسان همیشه چیزهایی را میخواهد که "عقل" و "منطق" و مکتش با آنها مخالفت می کند. آن بعد از شخصیت انسان که همواره او را به "م غنیمتی" و خوش گذرانی و لذت پرستی محو اند وجه رسوبی یا گرایشهای شیطانی است. همه بدبختها، ظلمها، فشارها، شکنجه و اختناقاها، اختلافات طغیانی، استثمار، بهره کشی، برده داری، کفر و نفاق و حسادت و ریا و استکبار و ستم و بی عدالتی، فقر و فساد و فحشا و زردی و قتل و جنک و ستیز و غارت و شیخونی و تجاوزها، گناه و خطا و انحراف، طلاق و جدائی و افتراق و انشعابها و خلاصه آنچه بدی و ضد رشد و ضد تکامل در جوامع پدیدار گشته دستاورد "وجه شیطانی" وجود آدمیانی است که در انتخاب های خود از هوای نفس پیروی کرده اند.

وجه دیگر از شخصیت انسان میل به کمالیابی، خیر و خوبی و نیکی و انفاق و ایثار و نادرستی و خلود و جاودانگی است که آنهم بطور بالقوه - یعنی بصورت استعداد و امکان - در آدمی وجود دارد و با وجه اول همیشه در ستیز و تضاد و جدال قرار می گیرد و فدakarها، از خود گذشتگی ها شهادت ها، عدل و لطف و مهربانی، کرامت و تکامل و رشد و تعالی و ترقی و پیشرفت، مبارزات حق طلبانه، برادری و برابریها و ... دستاوردهای "وجه الهی" وجود انسانهای است که در مواجهه با دو کار همیشه کاری را انتخاب کرده اند که نفس ناخوش داشته است.

تمامی زندگانی انسان و مفهوم حیات او در نبرد و جدال مداوم این دو وجه یعنی فجور و تقوا، بدکاری و نیکوکاری خلاصه میشود (فالهمها فجورها وتقویها... - شمس آیه ۶) آنکس که گرایشات شیطانی را از صفحه وجود پاک و پالوده کند، به فلاح میرسد (قد فلع من زکیها) و آنکس که

خالک که به نفس طین دارد - امام علی (ع) حطبه (۱۷۵) و دانش آنرا به ریز سوال بکنیم (قیه لا تقسمه متهون - امام علی (ع) حطبه ۱۸۴) و آنرا در رنج و تب و تاب و سوز و گداز حوراسم (نقسه منه فی عناه - حطبه ۱۸۴) چه لحظاتی و دفاعی که باید با کنترل و تقاضای در و هوسارانه بدون کوچکترین اغماص و چشم پوشی با گرایشات حیوانی نفس به مقابله برخیزیم تا بتدریج نفسمان حوار و رام گردد.



معیار و محک تعیین ارزش کارها؛ اگر بتوانیم با کاهی بر این نکته که کوچکترین حرکت در راه خدا یا کراهت و ناخوشایندی نفس مواجه میشود "واعلموا انه ما من طاعه الله شیئ الا یاتی فی کره - حطبه ۱۷۵) - و اینکه هر انتخاب نفسی در ساختن انسان دارد، در انتخاب های اضطراب آور * و بر سر دوراهیهای دلپهراور بین ایمان و کفر، امید و یاس، زهد و افراط، فروتنی و استکبار، راستگویی و دروغگویی عدالت و ظلم، علم و جهل، نرمش و تندخویی، آرامش و شتاب، اخلاص و دورویی،

پارسیایی و برده داری، نهامت و ترس، خاموشی و پرگویی، تکبایی و بی تابی، قناعت و شکم پرستی، وفا و خیانت، پاکیزگی و پلیدی، ابتدال و فروز طلبی، چشم پوشی و انتقام، انصاف و ستم، شرم و بی شرمی، رازداری و برده داری، میانروی و اسراف، سخاوت و بخل، خشوع و خود بینی و ... و بطور کلی در مواجهه با دو کار همواره با انتخابی که نه هوای نفس بزرگتر است به مخالفت برخاسته و راهی را انتخاب کنیم که نفس آنرا خوش ندارد، آنوقت است که میتوانیم مدعی بودن در مسیر حق تعالی گردیم، آنوقت است که می فهمیم چرا امام بنگوید بهترین و باارزش ترین کارها، کاری است که نفس تو از آن خوش نیاید (نهج البلاغه سخن ۲۴۱) و چرا حضرت رسول میفرماید بهترین کارها دشوارترین آنهاست (افضل الاعمال احمزها) انسانیت انسان در همین کنترل و مهار که معاش تقوا بیندگشتن، تضعیف بعد شیطانی و حیوانی و تقویت وجه خدایی و الهی ادبی است، مفهوم می یابد، به همین دلیل امام میفرماید بهترین بندگان خدا نرد او بندهای است که خداوند او را بر تسلط نفس باری داده که آنرا به عدل ملزم کند، پس نخستین گام عدل نفسی هوای نفس است (حطبه ۸۶).

هرچه فردی در برخورد خدا و درک موقعیت و مسئولیت خود در هستی از تسلط و حاکمیت و پیروی عزایز و کشتنهای ضد تکاملی دور شود، از افتادن در گرداب هوس پیرهیزد (ما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی ... نازعات/ ۴۰) و نفسی را به تقوی نزدیک کرده، از کمال عقل و عشق و اراده حرکت و پیوی خود را انجام دهد، به مرتبه والاتری از انسانیت و تکامل و خداگونگی دست یافته، غنچه های خدایی وجودش شکوفان گشته سر از خاک برخواهد داشت (ومن یوقئ شیئ نقسه فالنک هم المفلحون - حشر ۹) و شایسته بهشت جاودان می گردد (... فان الجنة الماوی - نازعات/ ۴۰).

میرید میرید از این نفس ببرد که این نفس جوینداست و شاهمجاوسیرید با توجه به آنچه گفته شد میتوان نتیجه گرفت که راه حق و تکامل و خداگونگی انسان برخلاف مسیر باطل که مسیر سراسنجی و سهل و ساده های است، حاده پرسنگلاخ و پرپیچ و خمی است که حرکت در آن نیازمند جد و جهد و پورشی نستوه و تمامی نابدیر است (ان الحق ثقیل مری وان الباطل خفیف و بی - امام علی سخن ۳۶۸)، همانگونه که صعود به فلهای سربلند طاقت فرسا و کشتن است و نیازمند سالها تمرین و خودسازی و کسب تجربه و سقوط کردن آسان!

تصفیه سپاه پاسداران ارومیه توسط باندهای انحصار طلب

مستضعفین ایران گردید و بازوی انقلاب و با تکیه بر همین ویژگیها بود که امام این نسل را در سراسر تاریخ اسلام، پس از مسلمانان صدر اسلام، بی نظیر می خواند و نقش آنها را در پاسداری از انقلاب بقدری مهم می بیند که ادامه هستی کشور را مدیون وجود آنها می داند.

۱- حماسه پاسداران

سپاه پاسداران که حماسه ایثار و شهادت حسین وارثان در کربلا خونین ایران از برجسته ترین نموده های انقلاب اسلامی است، بعنوان نهادی جوشیده از متن مردم و زائیده، قیام یکپارچه ملت، پس از پیروزی انقلاب شکل گرفت و رسالت سنگین ادامه حرکت و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی را بر عهده گرفت. پاکبازترین سربازان انقلاب از میان جوانان پرشور و مؤمن به سپاه بیوستند تا زیر پرچم خونین آن ادامه دهند، راه شهیدانی باشند که خونشان بر شمشیر پیروز شد و مشت هایشان بر تانکها و مسلسلها غلبه کرد. سپاه خود جوهره انقلابی داشت و میخواست که پاسدار جوهر انقلاب هم باشد.

هرچند در این مدت سپاه از خطا و اشتباه و عملکردهای غیر اصولی مضمون نبوده است اما عملکردهای سپاه در این مدت بطور عمده نشاندهنده پایبندی و وفاداری مؤمنانه عهدی است که با خدا و خویش بسته اند. حضور پاسداران در مقدم ترین صف پیکار حق و باطل و استقبال عاشقانه از شهادت، سند زنده ای است از این ایمان و تعهد، نبرد هر روز و هر شب در سنگرها، در خیابانها و شهرها پس از پیروزی انقلاب به عناصر مزدور و واپس مانده رژیم، مقابله با توطئه های ضد انقلاب در آیین نقاط مملکت، مقابله با آتش افروزیهای فئودالها و خانها و سرمایه داران و جنگ بی امان در برابر مزدوران مهاجم صدام در سراسر غرب کشور، همه حکایت از این پای بندی به اصول است.

بدلیل این جوش انقلابی و حماسه های ایثار و شهادت بود که سپاه نقطه امید

بقیه در صفحه ۹

تصفیه سپاه پاسداران ارومیه توسط باندهای

انحصار طلب

بقیه از صفحه

۳- تشکیل سپاه ارومیه

"سپاه پاسداران ارومیه" از نخستین شیانهایی بود که در ایران شکل گرفت. پس از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ماه، برگزیده ترین جوانان مسلمان و مؤمن شهر ارومیه که در طول سالها مبارزه با رژیم، صلاحیت اسلامی و انقلابی خویش را احراز و اثبات کرده بودند، به تشکیل سپاه پرداختند. آنها با مطالعه "اسلامنامه" سپاه، آرا آرگانی سیاسی - ایدئولوژیک و نظامی یافتند که همدستند و دوام و حفظ دستاوردهای انقلاب و صدور آن نبود. و از این لحاظ که بدون وابستگی به جناح خاصی بود، در خط انقلاب بود، آرا مطلوب دیدند و بدان روی آوردند و با همه وجود در رشد و انسجام و شکلگیری آن ماه گذشتند.

در آغاز تشکیل سپاه ارومیه، منطقه جوی ناآرام و بسیار خطرناک دانست و مقابله با آن و تثبیت اوضاع و اوضاع نوتنه ها به فداکاری و هوشیاری فوق العاده ای احتیاج داشت. از یک سو گروههای ضدانقلاب نظیر دموکرات و کومله و... و از سوی دیگر مزدوران رژیم سابق و افسران فراری و از سوی سوم فتودالها و مالکین همه در حال دیسه چینی و نوتنه بودند. ناآگاهی برخی مسئولین، پیش قشری برخی از دست اندکاران و سازشکاری عناصر لیبرال در دولت موقت باعث شد که زمینه برای رشد این توطئه ها مساعدتر شود. بخصوص که دولتمردان برای باصلاح کنترل منطقه به مسلح کردن فتودالهای بزرگ و با نفوذ پرداختند. در نتیجه با حمایت مسئولین و روحانیت وابسته "حزب خلق مسلمان" اربابها در منطقه به قدرت رسیده و زارعین را از زمینهایشان اخراج کرده و دسته های مسلح تشکیل داده بودند. در خود شهر ارومیه نیز وجود چندین سازمان و چند نژاد و چند دین و مذهب (شیعه، سنی، مسیحی) و سطح پایین فرهنگ انقلابی و اسلامی و ناآگاهی مردم و نفوذ حزب امریکائی خلق مسلمان در میان مردم و بسیاری از روحانیون به حساسیت و اهمیت کار سپاه می افزود.

سپاه ارومیه با درک موقعیت حساس منطقه با قدرت و هوشیاری به مقابله با جریانهای ضدانقلابی پرداخت و عملکرد آن بسیار توان فوق العاده و نیز اصالت و پایندگی به خط اصیل انقلاب و تعهد نسبت به سرنوشت محرومین و مستضعفین است. گاهی به کارنامه، سپاه ارومیه در درجه اول نشان دهند، ماهیت اسلامی و انقلابی آن و در درجه دوم نشان دهند. علل مخالفتها و توطئه ها و کارشکنی ها و برجسب زدنها و سرانجام تصفیه وسیع آن میباشد.

۴- کارنامه سپاه ارومیه

سپاه ارومیه در ارتباط با درگیری فروردین ماه ۱۳۵۸ در نقره، کار جدی خود را آغاز کرد. پس از غائله، نقره که توسط اربابها و خانهای سلدوز و روحانیت وابسته کرد و ترک و گروههای ضدانقلاب نظیر دمکرات برپا شده بود، سپاه به مبارزه پی گیری و جدی با آنها پرداخت و با تاسیس دادسرای انقلاب، اقدامات وسیعی را در دستگیری و بازجویی ضدانقلابیون و وابستگان رژیم گذشته آغاز نمود. فعالیتهای سپاه پس از آن در حوزه های مختلف گسترش یافت که اشاره ای کوتاه بدانها میشود:

الف: اقدامات ضد فتودالی سپاه:

از همان اوایل انقلاب برخی دولتمردان موقت و شورای انقلاب توسط عناصر جنگ طلب و ماجراجو و برخی فرماندهان ارتش دست به مسلح کردن فتودالها زدند. آنها بر طبق پیش قشری و سازشکارانه و غیر - انقلابی شان نمی توانستند بر توده های محروم تکیه کنند و منافع و خصلتهای استکبارشان اجازت نمیداد که مستضعفین قدرت بیابند، لذا بجای آنکه توده های روستائی را در شوراها دهقانی متشکل و مسلح سازند، به تقویت باندی پرداختند که بر علیه انقلاب در حال توطئه بود. علیرغم فریادهای دلسوزانه "افراد متعبد در مخالفت با این امر، با حمایت جدی کسانی چون حقوق استاندار سابق آذربایجان غربی و معاونش، روز بروز بر مقدار تسلیحاتی که به فتودالها تحویل داده میشد، افزوده می شد.

سپاه در برابر این جریان که به شکل ضدانقلاب منجر میشد و موجودیت انقلاب را در منطقه بخطر می انداخت و موجب

حده دار شدن چهره انقلاب و اسلام می گردید، قاطعانه ایستاد و نسبتها با تسلح فتودالها مخالفت کرد. بلکه چه از طریق فشار به مسئولین و چه از طریق افشاری و چه از طریق جنگ مسلحانه، به برجیدن سباط فتودالیسم کمر همگامشت. در این رابطه سپاه ارومیه چندین خان و خانزاده را خلع سلاح نموده و تحویل دادسرای انقلاب میدهد، بطوریکه عملیات انقلابی سپاه موجب شده بود که عده ای از آنها نتوانند به شهر بیایند و مخفانه و با اکثرت رفت و آمد کنند. از جمله متوان از "جهانگیر دری" نام برد. یکی از کار - های وی آن است که ماهانه یک میلیون و دویست هزار تومان از بیت المال مملکت را بنام سید شاستامه مرده و محمل و چندین سجاره دیگر می گرد. وی با ختیار و شاه سابق و اویسی ارتباط مستقیم داشته و همکاریهایش با رژیم سابق نیز آشکار است. بعد از انقلاب تعداد زیادی از ساواکیها و افسران ضدانقلاب را به خارج از کشور فراری داده است. همچنین خبرهای رسیده حاکی است که وی در اغلب درگیری - های گردنه قوشچی دست داشته و سرف - مسلحانه برادرش در یک مورد بالغ بر ۲۷۰ هزار تومان شده است.

"رشیدیک" یکی دیگر از این فتودالیهاست، که سمت نماینده دولت در منطقه "ترگر" را دارد. وی با ایجاد درگیری های مصنوعی مقادیر زیادی فتنگ و اسلحه از دولت گرفته و به ضدانقلابیون منطقه فروخته است. دایر کرب کارخانه هروئین سازی، بیرون کردن زارعین از خانه و کاشانه و آواره نمودن آنها و ایجاد مزاحمت برای مردم با اسلحه دولتی، برخی از کارهای اوست.

در حالیکه سپاه با اقدامات ضد فتودالی و ضد سرمایه داری خود پایه های انقلاب را در روستاهای ایران تثبیت کرده و موجب امیدواری محرومین و مستضعفین میشد، عناصر مسلح وابسته به مبعودی و ملاحسنی و مراد فطاری موجب خنده دار شدن چهره اسلام و بدبینی مردم بویژه برادران کرد نسبت به انقلاب و امام می گردیدند. در همین جا باید از اقدامات مثبت دیگر سپاه در مبارزه با سرمایه داران غارتگر و براه - انداختن کارخانه ها اسم برد. مصادره کارخانه آجر ماشینی و سینماها به نفع مستضعفین، راه اندازی کارخانه قند ارومیه از جمله این اقدامات بود.

در برابر این اقدامات سبیل اتهامات و مارکها از قبیل کمونیست، جنیشی، منافق، جاسوس عراق و غیره نصیب سپاه گردید و نماز جمعه میدانی برای کوبیدن و مخالفت با آنها بود. و نماینده جناح لیبرال نیز به مخالفت و کارشکنی می پرداخت و از سرمایه داران حمایت می نمود.

ب: نقش سپاه ارومیه در کردستان:

سپاه ارومیه با پیش گرفتن شیوه اسلامی نقش چشمگیری در کاهش دادن اختلافات نژادی داشت. سپاه با عملکرد مثبت خود در مناطق مختلف کردستان توانست این واقعیت را که پاسداران جان برکف در عین حال که دشمنان آشتی ناپذیر ضدانقلاب هستند، پایدارترین دوستان خلق کرد می باشند، به همه ثابت کند. شرکت در جنبه های نبرد سرو، بیرانشهر، مهاباد، سنندج، بانه و غیره و تقدیم ۳۵ شهید به پیشگاه انقلاب و امت بسیار دشمنی آشتی ناپذیر سپاه با ضدانقلاب است و اعتماد وسیع مردم مهاباد و سایر شهرهای کردستان به پاسداران ارومیه و علاقه و اطمینان به آنها نیز نتیجه برخورداری اصولی آنها با برادران کرد بوده است. در جنبه آبادان نیز عملیات سپاه ارومیه در شرایطی که شهر در شرف سقوط بود، موثر بود و ضربات مهلکی بر مزدوران بعثی وارد آورد. سپاه با ارائه اطلاعات و تحلیلهای اصولی در انعکاس واقعیتهای منطقه کردستان به مسئولین مملکت سهم بسزائی داشته است.

ج: مبارزه با قاچاق:

سپاه ارومیه توانست چندین قاچاقچی بزرگ را که به سبب اسلحه حمل میکردند دستگیر نماید. در گمرک، میراشرافی معذور را در جین فرار دستگیر کرد. نامبرده کوشید پاسداران را با دادن ۵ میلیون تومان رشوه بفرید، اما راه - جانی نبرد و همراه با پولش بدادگاه اصفهان تحویل گردید. تولیدکنندگان و توزیع - کنندگان هروئین نیز از اقدامات انقلابی سپاه در امان نماندند و غالباً دستگیر و بدادگاههای ویژه تحویل گردیدند.

د: در شهر ارومیه:

سپاه در برابر جنبه ضدانقلاب داخل شهر که عمدتاً حول محور "حزب خلق مسلمان" متشکل شده بودند، با قاطعیت ایستاد و با افشاریها و موضع گیری اصولی و مبارزه پی گیری با آنها موجب شد که مسئول حزب خلق مسلمان از شهر فرار بکند و سباط آن برجیده شود.

از نظر آموزشی سپاه در دو بعد سیاسی - ایدئولوژیک و نظامی نقش فرهنگی - نظامی خود را بخوبی ایفا کرد. دهها جزوه و نشریه چاپ و تکثیر کرد و همچنین از طریق سیخ و سپاه نزدیک به ۳۰ هزار نفر را در شهر آموزش نظامی داد.

اقدامات سپاه نه به این مواردیکه دژ شد محدود میشود و نه آنچه گفته شد، بسیار کامل اقدامات انجام شده است.

ضروری است برادران پاسداریکه اکنون از سپاه تصفیه شده اند، مشروح اقدامات خودشان را برای اطلاع مردم مسلمان ایران منتشر سازند.

۵- جریان تصفیه سپاه

مواضع اصولی و انقلابی سپاه ارومیه و شکل و انسجام چشمگیر آنها و اقدامات و عملکردهای اسلامی شان عرصه را بر عناصر سازشکار و قشری تنگ می نمود. تلاش و کوشش سپاه برای حفظ استقلال و عدم وابستگی به گروه و حزب و دسته های خاص و تن ندادن به حاکمیت جریانهای ارتجاعی یا سازشکارانه و مبارزه پی گیری با لیبرالها و سازشکاران و سرمایه داران برای جریانهای که در حال تحکیم سلطه همه جانبه خود بر نهادهای انقلاب بودند، قابل تحمل نبود، در نتیجه احزاب قدرت طلب و سلطه گر و سازمانهای وابسته شان به همراهی لیبرالها در حمله به سپاه، با فتودالها و سرمایه داران و ضدانقلابیون و خلق مسلمانها همصدا شدند و از هر طرف آنها مورد حمله و فشار و تهمت قرار دادند، انواع مارکها مثل دزد، ضدروحانی، ضد ولایت فقیه، فرقاتی، امتی، جنیشی، کمونیست نشان کردند. در میان این طیف، فشار حزب جمهوری و مجاهدین انقلاب اسلامی برای

در حالیکه سپاه با اقدامات ضد فتودالی و ضد سرمایه داری خود پایه های انقلاب را در روستاهای ایران تثبیت کرده و موجب امیدواری محرومین و مستضعفین میشد، عناصر وابسته به مبعودی و ملاحسنی و مراد فطاری موجب خنده دار شدن چهره اسلام و بدبینی مردم بویژه برادران کرد نسبت به انقلاب و امام می گردیدند.

در برابر این مغاوت - یکبارجه سپاه، انحصارطلبان به شیوه های غیراصولی متوسل شدند و کوشیدند تا مزوی ساختن سپاه آنها تصفیه نمایند. بدین ترتیب که ابتدا شهرستانهای تحت فرماندهی ارومیه را از آن جدا ساختند و سپاه ارومیه را معزول و متروک و دست خالی ماند و سپس با انواع فشارها عرصه را بر آنها تنگ کرده و سرانجام در یک فرصت مناسب (مثلاً موقعیت جنگ) آنها را تصفیه نمایند. برای اجرای این نقشه، ابتدا با اعمال غیراسلامی و ایجاد شایعه و زدن تهمت و مارک و... سعی در بدبین کردن شهرستانها نسبت به سپاه ارومیه نمودند. از جانب دیگر در حالیکه چندین ماه فتنگ و مہمات به سپاه ارومیه تحویل نمی دادند، به شهرستانها میگفتند که ما به ارومیه اسلحه و مہمات مدہم ولی آنها به شما تعہدند و بایاید تهران از سپاه مرکز سلاح تحویل بگیرد. با این اعمال و دیگر سیاستها که از جانب باند استاندار در شهرستانها اعمال میشد، شهرستانهای چون نقره و خوی و ماکو را جدا کردند. در ماکو کار از تهمت و شایعه گذشته، با عملیات نظامی و شبه کودتا، مسئولین فرستاده شده از ارومیه را در یکروز از کار برکنار نموده و مرکز سپاه را در اختیار می گیرند و با انواع تہمتها، پس از چند روز حالت نیمه بازداشت آنها را اخراج می کنند.

تلاش و کوشش سپاه برای حفظ استقلال و عدم وابستگی به گروه و حزب و دستهای خاص و تن ندادن به حاکمیت جریانهای ارتجاعی یا سازشکارانه و مبارزه پی گیری با لیبرالها و سازشکاران و سرمایه داران، برای جریانهای که در حال تحکیم سلطه همه جانبه خود بر نهادهای انقلاب بودند، قابل تحمل نبود، در نتیجه احزاب قدرت طلب و سلطه گر و سازمانهای وابسته شان، به همراهی لیبرالها در حمله به سپاه، با فتودالها و سرمایه داران و ضدانقلابیون و خلق مسلمانها همصدا شدند و از هر طرف آنها مورد حمله و فشار و تهمت قرار دادند.

بدین ترتیب سپاه ارومیه در انزوا قرار می گیرد و بسیاری از کانالهای اطلاعاتی و اجرائیش قطع شده و امکان تصفیه آن برای انحصارطلبان فراهم میشود. تنهامان اکنون اعتراض مردم بود که آنها با شروع جنگ، فرصت تلاشی بدستان می افتند و در سایه جنگ امکان اعتراض از پاسداران مردم گرفته میشود. بهر حال پس از آنکه استاندار و دفتر تبلیغات اسلامی وابسته به استانداری، مدنیا به ایجاد جو شایعه و تهمت پرداخته بودند، آخرین هیئت تصفیه سرانجام به ارومیه وارد میشود و برادران پاسدار را برای استعفا تحت فشار می گذارد. آنها نیز پس از مدتها مقاومت در حالیکه با انواع و اقسام کارشکنیها و فشارها روبرو بودند، ماهها تدارکات و مہماتشان قطع گردیده بود، به استعفا اجباری تن میدهند. این استعفا در شرایطی به آنها تحمیل میشود که پاسداران جان بر کف از یکسو درگیر مبارزه با ضدانقلاب مغولی و مزدوران بعثی و از سوی دیگر مشغول تعلیم و آموزش نظامی مردم بودند. انحصارطلبان نه تنها به شرایط منطقه و اوضاع جنگ توجهی نکردند، بلکه از این واقعه نیز شرم نداشتند که صدور حکم اخراج پاسداران شهید مجید جعفری و حسین بهروردی با ورود اجساد مطهرشان به شهر همرمان شده بود.

برادران استعفی، علیرغم مشاهده این حرکت های غیراسلامی و تہمتها و مارکها، بخاطر وضعیت منطقه و بخاطر حفظ حاکمیت سیاسی انقلاب، مقاومت را جایز نمی شمردند و استعفا میدهند. پس از تصفیه نیز دلسوزانه و سئوالانه بخاطر آنکه ضد - انقلاب از سالها سو استفاده نکنند، از حق خود می گذردند و برای حفظ آرامش ازرگونه راهمیایستاد و اعصاب و بستن دکانها و مدارس جلوگیری بعمل می آوردند. پی آمد تصفیه در شهرستانها آن بود که خلق مسلمانها در نقره رشد کردند و بجای تصفیه شده ها، ۹۰ نفر از افراد کمیته معلوم الحال - مبعودی به سپاه راه یافتند. همینطور در سایر شهرستانها طرح ادغام کمیته ها در سپاه که به تسلط خط فرصت طلبی بر آن می انجامید، به اجرا درآمد.

۶- افساء و مقاومت وظیفه

نیروهای انقلابی است

بدینی است طرح این مسائل موجب میشود که عناصر ضدانقلاب بیانه ای برای حمله به انقلاب دست بیاورند و با تکیه بر این عملکردهای انحصارطلبانه، موجودیت انقلاب را نفی کنند. اما باید توجه کرد که اولاً طرح نکردن آن موجب عدم اطلاع ضد انقلاب نمی شود، ثانیاً چرا باید مسئولین انحصارطلبانه عمل بکنند که خبر آن مورد سو استفاده قرار بگیرد؟ و ثالثاً مگر انقلاب از این تصفیه ها بطور مستقیم کم ضربه می خورد که در مورد افساء آن تردید داشته باشیم و با سروی گذاشتن بر آنها، به گستاخی انحصارطلبان بیفزاییم؟

بقیه در صفحه ۱۰



کرمان تقی صالحی

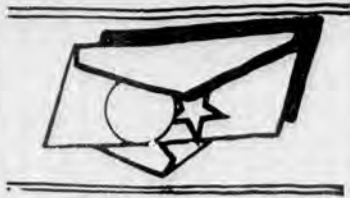
درج سلسله‌مقالات "مقدمه‌های برسرآرامی"
دهی و تشکیلات - در امت به این معنی نیست که تشکیلات جنبش مسلمانان مبارز تمام خصوصیات ذکرشده در آن سلسله - مقالات را داراست.

اصفهان اکبر مولایی

پیش از این نیز یادآور شده‌ام که ۱۱ میلیون رای یا کمتر و بیشتر معنی مشروعیت یافتن هر عملی از جانب کسی که به او رای داده شده نباید تلقی شود زیرا "اولا" این تعداد رای در حقیقت سپردن مأموریت محسوب می‌شود نه مشروعیت یافتن ذاتی یک شخص. ثانیاً: رای مردم در چهار - چوب رعایت ضوابط مکتب و انقلاب بوده و میباشد (بیعت مشروط) و هرگاه ایس - چهارچوب شکسته شود، بیعت شکسته میشود از این روست که میگوئیم آراء داده شده، مشروعیت دائم ایجاد نمی‌کند بلکه مأموریت معینی را تعیین میکند. برخی می‌گویند با عنوان کردن تعداد آراء و "اکثریت" هر عمل خود را مشروع جلوه دهند و جلوی هر انتقاد و ایراد اصولی را هم بگیرند، در صورتیکه این حق مردم است که در چهارچوب مأموریتی که به شخصی می‌سپارند ضمن ارزیابی دائمی، انتقادات و ایرادات وارده را مطرح کنند.

یزد: علی اصغر تفکری
تهران: ص. محمودی

بی‌طبقه بودن تنها یکی از مشخصات جامعه آرمانی است، هرچند در خود واژه "جامعه توحیدی" بی‌طبقه بودن نهفته است و همین امر موجب شده تا عده‌ای از آوردن نام "جامعه توحیدی" در قانون اساسی جلوگیری کنند ولی تصریح ما به "جامعه بی‌طبقه توحیدی" بدین علت است که "اولا" در برداشت بعضی جامعه‌ها توحیدی هم دارای طبقه است، منتها با این تفاوت که فاصله بین طبقات کمتر شده است! بدین علت لازم است در برابر این برداشت ناروا موضع خود را روشن کنیم. ثانیاً: هیچ اشکالی ندارد که یکی از ویژگیهای جامعه توحیدی تاکید شود، بخصوص اکنون که ضرورت تاریخی هم آراء طلب میکند. تاکید بر صفات و ویژگیها در متون مذهبی و قرآن فراوان است، مثلاً: در خود عبارت بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، که خداوند هم به صفت رحمانیت و هم به صفت رحیمیت وصف شده است و در موارد دیگر به صفتهای دیگری از قبیل غفور، جبار، عزیز، حکیم، دوانتقام و... آری مگر وقتی میگوئیم خدای کریم منظورمان این است که خداوند فقط کریم است و صفت دیگری ندارد؟ اگر گفته شود در آن موردی که خداوند به صفت خاصی وصف میشود ضرورت داشته و در رابطه با آیات و یا جملات قبل مورد پیدا کرده است که خداوند بدین نحو توصیف شود، جواب این است که تصریح و تاکید عبارت "جامعه بی‌طبقه توحیدی" بسبب برداشتهای ناروا و شرک - آلود و طبقاتی از اسلام ضرورت دارد و مورد پیدا می‌کند و اقتضای شرایط است. افرادی هستند که فکر می‌کنند جامعه بی‌طبقه توحیدی معنی نفی تقسیم کار و پیدایش آثارشی و هرج و مرج و لاقیدی در جامعه است، این تصور از آنجا پدید آمده که گویا منظور از بی‌طبقه بودن این است که در جامعه مورد نظر هیچ کس نباید شغل خاصی داشته باشد و باصطلاح با نفی طبقات صنفها هم باید از بین برود و بنا و کشاورز ... هم در آن جامعه وجود نخواهد



نگاهی به طرح پیشنهادی نحوه فعالیت احزاب و جمعیتها

بقیماز صفحه ۱۲

اشاره شد، اولاً این معیارها نباید بحوثی مبهم و کلی عنوان شود که هر آن امکان سوءاستفاده از آن برود و دیگر آن که مجریان و ناظرین را نمی‌توان جدای از ضوابط در نظر گرفت، از این روست که بی‌کوشش یک لایحه و با قانون اگر خوب هم تنظیم شود، ولی ماهیت و عملکرد مجریان با آن قانون تضاد داشته باشد، آن قانون مفید فایده نخواهد بود.

دانش و شاید همین تصور برداشت باعث شده تا آن را شبیه جامعه حیوانات بدانند و جامعه بی‌طبقه را نفی کنند (گذشته از علل جنبشی دیگر در رابطه با مساله مالکیت و غیره) در صورتیکه وقتی صحبت از محور طبقات در جامعه توحیدی میشود، معنی محور طبقات استوارگر (چه استعمار مستقیم در شکل سرمایه‌داری و... و چه غیر مستقیم در شکل واسطه و خرده‌بورژوازی ...)

لایحه نحوه فعالیت احزاب، چه ضعف‌هایی دارد؟
در طرحی که در این مورد ارائه شده بود، یکی از سوی گروهی از نمایندگان مجلس و دیگری از طرف شورای عالی قضایی، که بالاخره کلیات طرح پیشنهادی نمایندگان مجلس به تصویب رسید. ضعف کلی اساسی در رابطه با طرح نمایندگان را در مجریان امور و عمق نداشتن انقلاب بی‌حاشی کردیم.

طبیعی است که ضدانقلاب در پی کسب پایگاههای مجدد خود باشد اما قدرت و اقتدار، برنامه ریزی و مشی یک دولت انقلابی و یک رهبری مکتبی است که می‌تواند با تکیه بر اصول و با استفاده از نیروی خلاق توده‌ها با توطئه‌ها به مقابله برخیزد. ولی متأسفانه در این دو سال عکس این حالت رخ داده است.

دولت باشد؟
در مورد بندهای دیگر و صحبت از "استقلال" و "شایعه‌پراکنی" و "تشدید اختلاف" و "موازن اسلامی" به سبب کلی بودن، جای هرگونه برداشت و تعبیر و سبانه را بازمی‌گذارد.

تکنظیمها اشاره خواهیم کرد:
در فصل اول - قسمت تعاریف:
در ماده ۱، از حزب و جمعیت و انجمن و... بعنوان تشکیلاتی "سیاسی" نام برده میشود در حالی که در ماده ۲، انجمن و جمعیت و اتحادیه صنفی و امثال آن را بعنوان تشکیلاتی غیرسیاسی معرفی می‌کند. گذشته از ظاهر متناقض ماده ۱ و ۲ باید سوال کرد آیا مسائل صنفی میتواند از مسائل سیاسی جدا مطرح شوند؟ این تقسیم‌بندی مصنوعی هم‌چنانکه در عمل شاهدیم در هم‌ریخته میشود و اتحادیه‌ها و انجمنها نقش محوری در مسائل سیاسی کشور ایفا می‌کنند.

مساله این است که برای تخلفاتی که در ماده ۱۵ این قانون ذکر شده است، دادگاه مخصوص هست که به آن جرائم رسیدگی میکند. بررسی و قضاوت اعمال یک فرد یا گروه صرفاً به عهده قوه قضائیه است و قوه قضائیه در قضاوت و صدور حکم باید استقلال خود را حفظ کند، مقدم داشتن بررسی و قضاوت و صدور حکم توسط کمیسویی که بیشتر از نظر فکری و امکانات اجرائی صلاحیت یک گروه را بررسی میکند، مرجح داشتن یک گروه بر قوه قضائیه و بهم‌زدن استقلال قوه قضائیه است. بدین وسیله راه اعمال نفوذ نیروهای قانونگذار و مجریه در قوه قضائیه باز گذاشته میشود.

تهران: محمد و - دفاع از حاکمیت سیاسی انقلاب برای جلوگیری از جایگزین شدن یک جریان ضد خلقی و دست‌نشانده امپریالیسم میباشد. امپریالیسم و ایدئیش می‌گویند همین وضعیت (یعنی موجودیت جمهوری اسلامی) را از بین ببرند. وظیفه ما در قبال دشمن دفاع با تمامی امکانات از انقلاب میباشد. وجود صف‌ها نباید باعث شود تا در برابر دشمن هم، از انقلاب دفاع نکنیم. نقاط ضعف را باید در جنبه درونی مطرح ساخت تا رفع گردد. و قصد ما از این امر نیز تصحیح است نه تضعیف.

در ماده ۱۷ میخوانیم: درآمدها و مصارف مالی گروهها باید در دفاتر رسمی ثبت شود و در پایان سال مالی برای بازرسی از طریق کمیسیون موضوع ماده ۸ این قانون بدیوان محاسبات مجلس شورای اسلامی فرستاده شود.

در ماده ۱۸ - "تودعه گروهها باید از طریق مشروع و قانونی تأمین شود و بشکل مشروع و قانونی صرف گردد." اولاً: یک گروه یک موسسه، کارخانه و بانک تجاری نیست که در جریان تولید اقتصادی جامعه نقش داشته باشد که لزومی به ارائه ترازنامه و گزارش درآمدها و مصارف مالی باشد. ثانیاً: اگر کسب درآمد در جامعه از طریق قانون مشخص شده است، صرف قانونی بودن و مصرف قانونی درآمد برای یک بیان‌نامه حقوقی کافی است. ثالثاً: قانون اجتماعی به نیت و انگیزه، اسبابا کاری نمی‌تواند داشته باشد و صرفاً از روی عمل و عوارض آن است که جرم مشخص میشود.

تصفیه سپاه پاسداران ارومیه...
انقلاب و اسلام شدند، همانطور که قبل از شما بسیاری دیگر از برادران و خواهران مؤمن را مانع شده‌اند، اما فراموش نکنید که ان‌الله‌واسعه - زمین خدا گسترده است. اسلام و انقلاب اسلامی همچنان به سراپا زانی پاکیز و جان‌برک نیازمند است. باید راه را ادامه بدهید.

اخراج برادران ما از جبهه جنگ مبتنی بر کدام ضابطه است؟

پس از چهار ماه فعالیت بی‌کیف و مستمرمان در جبهه‌های جنگ جنوب، و شهادت برادران ما، ساری که در کنار شهیدان به خون خفته، خلق دعوت حق را لبیک گفتند و سرانجام بانگ ناموسون تنگنه در کنار شلیک توپهای دشمن در جبهه‌ها، به گوشه‌های اصابت کرده، ما را که تنها برای حفظ انقلاب می‌جنگیدیم، از جبهه‌ها بیرون رانند. در شمارهٔ پیش اشاره کردیم که از ابتدای شروع جنگ مرزبندی دوگانه‌ای در میان نیروهای شرکت کننده بوجود آمد که در یک صف توده‌های مردم و نهادهای انقلابی و نیروهای موثر در ارتش و در صف دیگر لیبرالها و طرفداران جنگ کلاسیک قرار داشتند.

و اینک ادامهٔ مقاله:

ما حوی می‌دانستیم که برخورداری از اینجینی تساندهنده وجود فشارهایی از جانب جناحهای فتری و انحصارطلبی است که سعی در قلمبکدن کامل قدرت و دامن زدن به اختلافات و با برخورد عکس - العلی شدت برهیز نموده و بر حفظ اسحام و وحدت نیروها در جبهه علیه دشمن مشترک بافزاری می‌کردیم. بالاخره در تاریخ ۱۲ بهمن ۵۹ هنگامیکه از یک عملیات نظامی برمی‌گشتیم، بالا آمدن آب رودخانه را بهانه‌ای جهت تخلیه منطقه، فرار استاز فرار داده و خواستار بازگشت ما بهر اهواز شدند. در تلاشهایی که برای حویا شدن از حقیقت امر نمودیم، بر ما آشکارتر گشت که تخلیه منطقه بهانه‌ای بیش بوده، و هدف اصلی، اخراج ما از جبهه بوده است. بطوریکه از قبول تقاضای ما سعی بر اعزازمان به جبهه‌های دیگر نیز حودداری کردند.

در جبهه بیزر سوال کردند و سپس در نقل و انتقالات ما از جبهه به شهر و بالعکس اختلال ایجاد کرده و محدودیتهایی در انجام عملیات نظامی و تأمین امکانات تدارکاتی و تسلیحاتی برایمان فراهم ساختند. پس از آنکه موجودیتمان در همکاری با سپاه پاسداران رسمیت یافت، بهانه‌جویی‌ها اشکال بازی خود گرفتند. اینبار جریانات انحصارطلب و فتری با برجسب متناقض پیچیده و سحر و طرفدار شرق و ... بتحو دندنی ما را در فشار قرار

صروزیترین ماحتساحان صادرات می‌نمودیم. این اقدامات چند ماهی ادامه داشت و هر روز که می‌گذشت موفق به تخلیه روستاهای بستری می‌شدیم. تا روستائیان بیکگاه از تهاجم گلوله‌های توپ و خمپاره دشمن درآمان باشند.

۲ - پاکسازی روستاها از دشمن و دستگیری عوامل ضدانقلاب:

یکی دیگر از اقدامات ما همکاری در بیرون راندن دشمن از روستاهای اشغالی و

ما بر این امر واقفیم که این عمل بنفع انقلاب بوده و ادامه اینگونه اقدامات، ریختن آب به آسیاب چه جریانی است چه تداوم این روشها و شیوههای انحصار طلبانه نسجهای جز رسیدن و حاکمیت هر چه سریعتر لیبرالها را در پی نخواهد داشت و جناح لیبرالی که آرزوی خروج نیروهای مردمی را از جبهه‌های جنگ در سر داشته و تمام سعی‌اش براین بوده و هست که سرسوست جنگ را با اقدامات کلاسیک ارتش کره بزند، به مراد حویستی یعنی عدم مشارکت توده‌ها در جنگ خواهد رسید.

می‌دادند. لیکن ما همچنان صافانه به راه خود ادامه می‌دادیم و تمام برنامه‌هایی که جهت در فشار گذاشتن ما تدارک می‌دیدند به‌نامه ابتلا گرفته و با برخوردی اصولی صداقت خویش را در عمل نشان می‌دادیم. فشارها هر روز بیشتر شده و ما موریت نظامی فرستاده می‌دیدیم بدون آنکه کمبود امکانات تسلیحاتی‌مان برطرف شود. مسئولین در جبهه ما با برخوردی دوگانه داشتند، از طرفی اقدامات ما را تحسین می‌کردند و به صداقت و تجربه ما در جبهه اذعان داشتند و بارها به این مساله اعتراف می‌کردند. از طرف دیگر ما را در انجام کارها و تعالبتها محدود می‌ساختند.

قرار داده از طرف دیگر عمده‌ترین راه ارتباطی آبادان را قطع نمایند. مساله دیگری که بر اهمیت این منطقه بی‌افزود، نزدیکی فاریسات به پادگان حمید یعنی مرکز استقرار نیروهای متجاوز عراق بود. این پادگان یکی از مواضع اشغالی دشمن بود که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و فاصله آن تا فاریسات در حدود ۶ کیلومتر و تا شهر اهواز ۴۰ کیلومتر تخمین زده می‌شد. بنابراین از سویی موارد فوق‌الذکر و از طرف دیگر آشنائی کامل ما نسبت به منطقه بر ضرورت استقرارمان در آنجا بود، جلوگیری از مقاصد شوم متجاوزین بعث می‌افزود. پس از گذشت چند روز از استقرار ما و نیروهای رزمنده، عرب، گروهیائی برادران سپاه پاسداران به اهمیت این منطقه پی‌برده و به آنجا اعزام شدند.

د: نقش و عملکرد ما در جبهه:

فتردهای از اقدامات و عملکردهای در جبهه در این مدت بقرار زیر است:

۱ - عملیات شناسائی و ایدائی مواضع دشمن:

این نوع عملیات جهت شناسائی مواضع نیروهای دشمن، آرایش نیروهای زرهی و پیاده آن و همچنین ارزیابی چگونگی ضربه‌پذیری دشمن انجام می‌گرفت. ناگفته نماند که برادران اعضای ثورهای اسلامی روستاهای منطقه تمامی امکانات تحریکات ویژه، خویش را در اختیار ما گذاشته و در معرفی و دستگیری عوامل ستون پنجم دشمن در منطقه خدمات ارزنده‌ای می‌نمودند.

۲ - شرکت در عملیات نظامی و درگیری مسلحانه با دشمن:

از اولین روزهایی که با منطقه فاریسات گذاشتیم، تا قبل از عقب‌نشینی چند کیلومتری دشمن از کناره‌های غربی کارون با وجود محدود بودن امکانات تسلیحاتی‌مان، با هماهنگی کامل با برادران پاسدار مستقر در جبهه، شبانه‌روز با متجاوزین یعنی در زدو خورد بودیم تا حاشی که دشمن مجبور به عقب‌نشینی شد. پس از عقب‌نشینی دشمن از کناره‌های غربی کارون و پاکسازی روستاهای شرف به رودخانه از وجود نیروهای دشمن و عناصر وابسته به آنها، اقدامات و عملیات ما بصورت انجام عملیات چریکی، عملیات مین‌گذاری در مسیر خودروهای دشمن، و عملیات آتش خمپاره‌انداز و عملیات تدافعی در مقابل تهاجم نیروهای دشمن و ... ادامه یافت و در بعضی موارد اتفاق می‌افتاد که ۱۰ تن از برادران ما با امکانات ناچیز نظامی ساعتها در محاصره، بیش از ۱۵ تا یک دشمن قرار گرفته و با مقاومت بازمی‌گشتند.

۳ - شرکت در عملیات نظامی و درگیری مسلحانه با دشمن:

از اولین روزهایی که با منطقه فاریسات گذاشتیم، تا قبل از عقب‌نشینی چند کیلومتری دشمن از کناره‌های غربی کارون و پاکسازی روستاهای شرف به رودخانه از وجود نیروهای دشمن و عناصر وابسته به آنها، اقدامات و عملیات ما بصورت انجام عملیات چریکی، عملیات مین‌گذاری در مسیر خودروهای دشمن، و عملیات آتش خمپاره‌انداز و عملیات تدافعی در مقابل تهاجم نیروهای دشمن و ... ادامه یافت و در بعضی موارد اتفاق می‌افتاد که ۱۰ تن از برادران ما با امکانات ناچیز نظامی ساعتها در محاصره، بیش از ۱۵ تا یک دشمن قرار گرفته و با مقاومت بازمی‌گشتند.

در همین حال لازم است که به دلایر ما و حماسه‌های مقاومت و مبارزه برادران پاسدار که الحق در جبهه‌ها غریبانه می‌جنگند و غریبانه شهید میشوند اشاره کنیم، چراکه بر همگان معلوم است که دشمن متجاوز در این جنگ تحمیلی بیشترین صدمات و ضربه‌ها را از برادران سپاه خورده است و بهمین دلیل شدت با آنان دشمنی می‌ورزد.

مردمی دست داد تا با یکی از برادران که از ابتدای شروع جنگ تحمیلی در جبهه فعالیتها شرکت داشته است گفتگو بنشینیم. حاصل این گفتگو در مورد کم و کیف نیرو- های موجود در جبهه و شرایط و ... این شد که در اینجا می‌بینید:

س: نقش نیروهای مردمی در جبهه چه بود؟

ج: در ابتدای جنگ خاصه در جبهه‌های جنوب، همانطور که اطلاع دارید، اولین نیروهایی که در مقابل ارتش متجاوز عراق مقاومت کردند، نیروهای مردمی مانند سپاه پاسداران بودند و در ابتدا ارتش بدلیل عدم آمادگی شرکت فعال نداشت. اکثر این نیروها با سلاح سبک و اغلب ز-۳ و ام-۱ و روحیه و ایمانی قوی در مقابل تانک و توپهای ارتش عراق جنگیدند و همین نیروها بودند که با مقاومت دلیرانه و آفریدن حماسه‌ها چندین روز از سقوط خونین شهر و آبادان جلوگیری کردند. در همین حال مردم داخل شهر بصورت آماده‌باش نقش تدارکات را بعهده داشتند و با عشق و علاقه و شور و ... باس خاصی برای کمک‌رسانی به رزمندگان فعالیت میکردند و جنگ بواقع جنگ مردمی بود. اکثر حملات بصورت چریکی و شبیخون انجام میشد و مردم در یک تب و تاب خاصی بسر می‌بردند ولی با گذشت زمان و با جایگزین شدن ارتش، از نقش نیروهای مردمی کاسته شد و مردم در شهر نسبت به جنگ بی‌تفاوت شده و جنگ بصورت یک امر عادی درآمد.

س: در این مدت چند ماه وضع جبهه‌ها را چگونه می‌بینید؟

ج: همانطور که گفته شد، جنگ در ابتدا با شرکت و فعالیت نیروهای مردمی آغاز شد ولی پس از جایگزینی ارتش، نقش نیروهای مردمی کم شد و جنگ از حالت چریکی و حاد بصورت راکد درآمد و هم- اکنون در اکثر جبهه‌های آبادان و خونین- شهر یک رکود نسبی به چشم می‌خورد. پیشرفت و پیروفتی در کار نیست و فقط تویخانه‌ها و خمپاره‌اندازها کار می‌کنند و جنگ از حالت مردمی به سمت کلاسیک پیش رفته و من خود در جبهه‌ها شاهد نگرانی و احساس ناراحت‌کننده نیروهای مردمی بسیج و سپاه و سربازان بودم و آن شور و احساس و فعالیت اولیه نمانده در شهرها بلکه در جبهه‌ها هم به چشم نمی‌خورد و جنگ حالت فرسایشی و خسته‌کننده بخود گرفته است. فعلا جنگ توسط فرماندهان

ما بر این امر واقفیم که این عمل بنفع انقلاب بوده و ادامه اینگونه اقدامات، ریختن آب به آسیاب چه جریانی است چه تداوم این روشها و شیوههای انحصار طلبانه نسجهای جز رسیدن و حاکمیت هر چه سریعتر لیبرالها را در پی نخواهد داشت و جناح لیبرالی که آرزوی خروج نیروهای مردمی را از جبهه‌های جنگ در سر داشته و تمام سعی‌اش براین بوده و هست که سرسوست جنگ را با اقدامات کلاسیک ارتش کره بزند، به مراد حویستی یعنی عدم مشارکت توده‌ها در جنگ خواهد رسید.

در اینجا لازم میدانیم به همهٔ نیرو- های انقلابی و مردمی و بویژه برادران سپاه خوزستان که در واقع بخش عظیمی از مشکلات و مسائل جنگ را از آغاز تاکنون با مقاومتی بی‌ظنیر متحمل شده‌اند، هشدار دهیم که تسلیم چنین سیاستهایی نشوند و این بینش‌ها و جریانات تنگ‌نظرانه را که

بقیه در صفحه ۵

گفتگوئی با یکی از برادران در جبهه جنگ

امداد به جبهه و عدم وجود امدادگر برای کمک‌های اولیه در جبهه باعث تلف شدن جان بسیاری از برادران شد و بدین خاطر ما را بر آن داشت که برای کمک بهتر به برادران رزمنده همراه چندین نفر از امدادگران عازم جبهه شده در همانجا مستقر شویم و تقریباً با تقسیم امدادگرها در سطح جبهه و تشکیل ستاد امداد جبهه یک پوشش نسبی امدادی به جبهه بدهیم که تا حدود زیادی برای کمک به مجروحین موثر افتاد و در ضمن تخلیه مجروحین را نیز بدلیل وجود آمبولانس دائمی در جبهه آسانتر ساخت.

س: تذکر خاصی نسبت بمسئولین ندارید؟

ج: مطلب دیگری که مسئولین باید بدان

نظامی هدایت نمود و نیروهای مردمی مانند سپاه و بسیج در رابطه با ارتش عمل میکنند.

س: بنظر شما اهداف امریکا از این جنگ چیست؟

ج: کمتر کسی است که نداند که امریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا بعد از پیروزی انقلاب ایران بدلیل دست دادن بزرگ ترین پایگاهش در منطقه، بزرگترین دشمن انقلاب ایران بوده و از هر طریق میخوابسته برای بدست آوردن منافع خود در منطقه، حاکمیت سیاسی انقلاب را به سارن بکشاند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکرده است. هم‌اکنون با جنگی که از طریق عراق



بوجه کند مسالهٔ تبلیغات رادو و خاصه تلویزیونی است. فعلا در مناطق جنگی خاصه آبادان و خونین شهر وضع تبلیغات اصلا رضایتبخش نیست و ما توجه به اینکه این مناطق زیر فشار شدید تبلیغاتی رادو تلویزیونی عراق و کشورهای مرتجع منطقه قرار گرفته، لازم است که برای احیای فرستندهٔ تلویزیونی و بخش برنامه‌های عربی و فارسی وجه تبلیغاتی جبهه‌ها را نیز تکمیل کنند. هم‌اکنون مردم شهر آبادان از دیدن تلویزیون ایران محروم هستند و اکثراً از فرستنده‌های عربی استفاده می‌کنند.

بر ایران حمل کرده است، از یک طرف مشکلات اقتصادی را صدچندان کرده و از طرف دیگر ارتش را بازسازی کرده و باعث تقویت لبرالها گشته است. موج ناراضیاتی گران، تورم، مردم را در مضیقه گذاشته و فشار بر دولت افزون‌کننده و زمینه‌های سازش را تحت فشار تقویت کرده است.

س: من بعنوان امدادگر همراه برادران سپاه و بسیج و سرباز در جبهه بودم. در ابتدا بدلیل عدم وجود یک تشکیلات امدادی واحد در شهر، برای رساندن

۲- لازم میدانیم به همه نیروهای انقلابی و مردمی و بویژه برادران سپاه خوزستان که در واقع بخش عظیمی از مشکلات و مسائل جنگ را از آغاز تاکنون با مقاومتی بی‌ظنیر متحمل شده‌اند، هشدار دهیم که تسلیم چنین سیاستهایی نشوند و این بینش‌ها جریانات تنگ‌نظرانه را که انحصار طلبی‌شان به خط مقدم جبهه سم سرایت کرده است، برای ملت مبارز ایران افشاء نمایند.

۳ - کمک به تخلیه روستاها و انتقال (روستائیان):

بعلت پیشروی سریع نیروهای متجاوز عراق در روزهای اول جنگ، بسیاری از روستاهای ناحیه غربی کارون ارتباطشان با شهر قطع شد و در نتیجه روستائیان نتوانستند خود را از گرفتار شدن بدست دشمن رهائی بخشند.

قشون ضد مردمی بعث عراق این روستاها و ساکنین آنرا سیر قرار داده و بالطبع علاوه بر فشارهایی که بر روستائیان وارد میشد ما رانیز در انجام عملیات نظامی محدودتری می‌ساخت.

حل این مشکل در گروه پاکسازی روستاها از وجود دشمن و ضدانقلاب و تخلیه و انتقال روستائیان بسمت نیروهای خودی بود.

در این رابطه ما پس از هر درگیری مسلحانه چند ساعتی که منجر به عقب‌نشینی دشمن میشد، به انتقال روستائیان بهمراه

پی کسب وجهه و گرفتن امتیاز به میدان آمده بودند اجتناب ورزیدیم.

ج: انتخاب جبههٔ فاریسات و اهمیت استراتژیک آن:

ما بر اساس شناسائی‌هایی که از منطقه اهواز داشتیم، جبههٔ فاریسات را بخاطر اهمیت سوق‌الجبئی آن برگزیدیم. اهمیت این جبهه به این دلیل بود که نیروهای متجاوز عراق تا کناره‌های غربی رود کارون در این منطقه پیشروی کرده بودند و قصد داشتند طرحی را که بعدها در منطقه سلیمانیه پیاده کردند، در این منطقه نیز مرحلهٔ اجرا گذارند. آنها فاریسات را محل مناسبی جهت الصاق پل جنگی در نظر گرفته بودند تا با برقراری پلی بر روی کارون و با عبور نیروهای زرهی و پیاده خود، جادهٔ اهواز - آبادان را اشغال نمایند (همانند پلی که در مارد زدن و آبادان را در حلقهٔ محاصره قرار دادند) با این عمل از یکطرف اهواز را در محاصره

سید جمال آغازگر مبارزه ضد استعماری شرق

برپادارنده نهضت اسلامی نوین

خاص، که آرمانهای والای سید جمال محمود و محدود به مرز جغرافیایی مشخص و تعیین شده‌ای نبودند. اقامت‌های سید در استانبول، هند، مصر، ایران، افغانستان، پاریس و لندن در ادامه همین خط قابل تفسیر می‌باشد و در تمام زمانها و همه مکانها سوک نیز حلات بیانی و فطری جمال‌الدین بدون انحراف متوجه استعمار بریتانیا بود که بسته به ماهیت و ظرفیت استعمارگران و مستبدین و حکام دیکتاتور، تبعیض‌های پی‌پی، منسوعیت‌های گوناگون، تهدیدهای بسیار را برای وی در پی داشت.

سید که با دیکتاتور حاکم بر ایران یعنی ناصرالدین‌شاه درگیری آشتی‌ناپذیری داشت، در سفر و حضر، چه هنگامه در ایران بود و چه در زمانی که در خارج به سر می‌برد، با افشای وی پرداخته و سعی داشت اذهان به انحاء گوناگون را به مبارزه با وی وادارد. زاویه حضرت عبدالعظیم که سید را در آن به بند کشیده و سوار بر مرکب دستور شاه به تبعیدگاه بردند و نیز صفحات نشریه عروه الوثقی که با همساری شاکردش شیخ محمد عبده انتشار می‌یافت و پس از چندی توقیف گردید، از این مبارزه بی‌امان حکایت دارد.

نکته‌ای را که در جریان مبارزه سید - جمال و تلاش‌های وی برای معرفی اسلام بعنوان مکتب سناری می‌توان بر آن دست نهاد، اینکه نام‌های سید بیشتر احکام و دولتیان و صاحب‌منصبان کشورها بوده است تا با توده‌ها و محرومین، اگرچه نمی‌توان نام‌های سید با جوانان مبارز ناراضی در مصر و هند و ... را نادیده گرفت.

از این جهت تجهیز به علوم و فنون، رجعتی مترقی به اصل اسلام، طرح دوباره مکتب، طرح شعار توحید الکلمه و کلمه التوحید مبارزه با خودباختگی در مقابل غرب، در کنار مسائل رنج‌آور، عامل امید و تحرک و جوش در مبارزه با استعمار و استبداد و استعمار در همان دهن پرخروش محسوب می‌گردند، آنهم نه در یک محدوده.

خود باعث شود عناصر ناآگاه، اسلحه‌های خود را زمین بگذارند و در سایه امنیت به کشاورزی بپردازند، که اینگونه برخورد موجب افشای عناصر ضدانقلاب و فتوادلها نیز میشود. ما نیز در صورت ایجاد امنیت به روستای خود برگشته و بکار تولید کشاورزی خود ادامه خواهیم داد.

امکاناتی که در اختیار این رانده‌شده‌ها است، ۷ دستگاه خانه، سازمانی، ۷ شیر آب، اوراق عمومی ماهانه است و نارسایی‌هایی که دیده میشود، نداشتن حمام، بیکاری، نبودن برق، بی‌پولی، نبودن بهداشت و ... است. دولتمردان باید بدانند اتخاذ شیوه‌های سرکوب - در مورد مردم کردستان - (چنانکه بیمارانه‌ای گذشته و یا برخورد خصمانه و مسلحانه با مردم نیز نشان داده است)، بهیچ‌وجه راهگشای حل مسأله،

یادش گرامی باد

هموطنان مبارز
لطفاً "وجوه نشریه" امت و همچنین کمک‌های مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شعبه شماره ۲۸۶۳ خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان واریز و یک نسخه از فیش کمک مالی را به دفتر امت ارسال دارید

نشریه
جنبش مسلمانان مبارز
سال دوم
زیر نظر شورای نویسندگان
شماره ۹۹
خیابان چهارم شمالی نیش خیابان نامجو
۸۴۴۹۸۴

ضرورت، با طرح دوباره فرهنگ غنی و ناشناخته و معرفی شده اسلامی، درگیر این مبارزه گردید و بالطبع از یکسو نافی استعمار فرهنگی شده، به زدودن رنگارهای جهل دست زد و از جانب دیگر ارزش‌های نوین را عرضه نمود.

از جمله خاصیت‌های مبارزه مستمر و بی‌وقفه ملت‌های گرفتار در بند ستم با دیده استعمار، چه در شکل و محتوای پیشین و چه در هیئت حاضر و کنونی آن، دیدار گردیدن چهره‌های شاخص و عناصری بارز در این مسیر مبارزاتی می‌باشد، بویژه آنکه این چهره‌های شاخص و برجسته در مقام خط‌دهندگان اصلی و برپادارندگان نهضت‌های فکری قرار گرفتند. بی‌شک در جریان بیکار با استعمار، در مقطعی از زمان که استعمار بریتانیا سرکردگی آنرا بعهده داشت، سید جمال‌الدین اسدآبادی با کوله‌باری غنی و پربار از مبارزه‌های طولانی مدت با این پدیده و استبداد دست‌نشانده آن در سرزمین‌های گوناگون این مقام مشخص را بخود اختصاص میدهد. ذهن پویا و کنج‌گاو سید جمال همراه با تحقیق و کسب اطلاعات وسیع در خصوص اوضاع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی ملت‌های مشرق‌زمین در شناخت علت اصلی و مسبب واقعی محرومیت‌های توده‌های شرق، کمکی شایان به وی نمود. (با در نظر گرفتن این نکته که سید بخش عمده حیات خویش را در میان ملل مختلف گذرانیده و با فرهنگ و روایات آنان آشنائی و نزدیکی کافی داشت.)

جمال‌الدین با شناختی صحیح، استعمار را سد اصلی و عامل عمده جهالت‌ها و خرافه‌ها و عقب‌ماندگی‌های توده‌های مستعبد تشخص داد و پس از آن لحن‌های از مبارزه قلمی و بیانی و روشنگرانه و آگاهی بخش با آن بارنایستاد و با ارائه نهضت جدید فکری - اجتماعی، بانی تازه را جهت مبارزه با این عامل سدکننده بروی نشان‌های رهایی از آن بازگشود، که بلا تردید جدا از مبارزه با نظام‌های مستبد و خودکامه دست‌نشانده استعمار و حاکم بر مقدرات توده‌ها نمی‌توانست مطرح باشد.

مبارزه با استعمار، ایجاد می‌نمود با کوششی تمام بر علیه فرهنگ استعماری حاکم بر شرق و نفوذ روزافزون و رو به رشد آن مبارزه شود. سید با تشخیص این

مشکلات آوارگان کرد در ارومیه

آچه در زیر می‌خوانیم قسمتی از مشکلات آوارگان کرد در ارومیه می‌باشد. لازم بذکر است که ما باسانی قادر به تماس با این برادران نشدیم و مسئولین این آوارگان را محصور کرده و اجازه تماس و گفتگو با آنها نمی‌دهند. و ما بکمک یکی از برادران کرد توانستیم بین آنها برویم. متأسفانه بعثت فشار مسئولین استان، همه افراد نتوانستند با ما صحبت کنند و تنها موفق به گفتگو با چند تن از برادران کرد آواره که نقش سرپرستی و نمایندگی داشتند، شدیم.

حدود ۵ ماه قبل ۱۳۰ خانوار از اهالی منطقه دشت‌یل از توابع کردنشین ارومیه در اثر فشارهایی که حزب دمکرات و کومله به آنها وارد می‌آوردند، و جان و مال آنها در خطر بود، مجبور به مهاجرت بطرف ارومیه شدند که مدتی در آنجا اقامت می‌کردند.

اتخاذ شیوه‌های سرکوب در مورد مردم کردستان - بهیچ وجه راهگشای حل مسأله نخواهد بود، همچنین اتخاذ شیوه‌ها و برنامه‌های شکن زودگذر و موقت نیز نمی‌تواند عمق زخمی را که در این قسمت کشورمان بوجود آمده است درمان کند.

روستای طرزولو در داخل چادر و در سرمای شدید زمستان با وضع اسفناکی زندگی کردند که در اثر سرمای شدید یکی از زنان جان خود را از دست داده است. پس از مدتی زندگی در زیر برف و باران، از طرف استانداری چند دستگاه خانه سازمانی و تمام و فاقد در و پنجره و برق و آب در اختیار آنها قرار گرفت. چند تن از این افراد در گفتگویی به نقش حزب دمکرات و کومله در منطقه پرداخته و از اعمالی که سرهنگ قادری، سروان حاتم، خورشید حاتمی، جاسم حاتمی، مرادقاری و بسیاری فتوادل‌های دیگر که حتی بعضی‌شان در ظاهر طرفدار دولت ولی در باطن مزدور حزب دمکرات هستند، مرتکب شده بودند که منجر به شهادت ۷ تن از آنان گردیده، با تنفر یاد می‌کردند.

دیوارهای ظلم و ستم را فرو ببرد و رجیم‌های جهل نظام را که بردست و پایش بسته بود بدور افکند، حیثیت و شخصیت انسانی خود را بازیابد و دیگر تن به تحقیر ندهد و نه در مقابل زورگویان ساکت بنشیند. مسأله اساسی جهت‌گیری یک نظام و مسیری است که جامعه طی کرده است، طبیعی است که ضدانقلاب در پی کسب پایگاه‌های مجدد خود باشد، اما قدرت و اقتدار، برنامه‌ریزی و مشی یک دولت انقلابی و یک رهبری مکتبی است که می‌تواند با تکیه به اصول و با استفاده از نیروی خلاق توده‌ها با توطئه‌ها به مقابله برخیزد ولی متأسفانه در این دو سال عکس این حالت رخ داده است.

بنابراین در رابطه با مسأله آزادی احزاب و فعالیت گروه‌ها نیز، خود مسأله قانون آن کافی و تعیین‌کننده نیست، چه بسیار اصولی که در متن قانون اساسی نظام شاه وجود داشت اما اجرا نمی‌شد. مسأله اساسی مسأله مفسرین قانون، مجریان قانون و مسأله کسانی است که این قانون را باید پیاده کنند. و اگر گفته شده است "آزاده‌خوان نآوار" منظور همین است. در رابطه با آزادی احزاب و سیاست حزب و قوه قضائیه در مقابل فعالیت‌های مختلف سیاسی دقیقاً باید عملکرد ۲ ساله آنان در رابطه با تمامی تبلیغات و گروه‌های فشاری که برای محدود کردن، تضعیف و نابودی جریان‌ها و سازمان‌های سیاسی اعمال شده است، مورد بررسی قرار گیرد.

جوسدگروهی و آزادی احزاب

گفته شد که بدون توجه به مجریان قانون نمی‌توان به صرف وجود قانون دلخوش داشت. در مالک سرمایه‌داری، بورژوازی حاکم برای جلوگیری از رشد اپوزیسیون، پارلمان و قوه مقننه را تا

نگاهی به طرح پیشنهادی نحوه فعالیت احزاب و جمعیت‌ها

بنظر ما شرافتمندانه‌تر بود که اعلام میسند که سیستم تک‌حزبی برقرار خواهد شد تا این لایحه یا این تنگ‌نظرها و نواقص به تصویب رسد!

هم قانون، هم مجریان قانون
در چنین وضعیتی دیگر نمیتوان فقط از قانون حرف زد، وجود قانون در روابط اجتماعی شرط لازم هست اما کافی نیست. قانون و قرارداد اجتماعی تنها ۵۰ درصد وجاهل مشکل و مسأله است، شرط کافی وجود قانونگذار و جریانی است که متعهد به اجرای قانون باشند. متأسفانه در شرایط کنونی همه از قانون صحبت میکنند، لیبرالها که از قدرت اجرائی کمتری برخوردارند، با حرابه و شعمار قانون اساسی و اعتراض به اینکه چرا قانون اساسی جمهوری اسلامی را اجرایی‌کنند (گذریم از اینکه بیشتر از جمهوری نام می‌برند تا جمهوری اسلامی!) بدین وسیله جناح رقیب را به محاکمه می‌کشند و جناح رقیب و قدرت‌طلب حزب جمهوری که خود نقش اساسی در تدوین قانون اساسی داشته و رهبرانش در رأس قوای قضائیه و مقننه قرار دارند، و ظاهراً پاسدار قانون اساسی می‌باشند نیز پای‌بند تعهدات خود نیستند و عملاً دست فرصت‌طلبان را برای سوء استفاده از موقعیت‌ها باز گذاشته‌اند و خود در شعار دم از قانون اساسی و استقلال قانون می‌زنند و این صرفاً بمنظور جلوگیری از اشاعه شعار جناح رقیب می‌باشد.

مردم به عملکرد دو ساله مجریان نگاه میکنند، سیاست اقتصادی دولت و برنامه ریزی‌های آنرا می‌بینند، وضعیت موسسات و ادارات و دادگاه‌ها را مقابل خود می‌بینند بنابراین ضمن اینکه به قانون اساسی رای داده و امام را ضامن اجرا و تکمیل آن می‌دانند، منتظر این بوده‌اند تا ارگان‌های مسئول اجرائی آن اصول را در عمل پیاده نمایند. اما در عمل عکس آنرا دیده‌اند و قشری‌گری و انحصارطلبی جناح حزب و همچنین نیروهای مرتجع که در انجمن‌های ضدبهاثیت متشکل شده‌اند، و در موسسات و مراکز مختلف دست به تصفیه نیروهای

وجود قانون در روابط اجتماعی شرط لازم است، اما کافی نیست، قانون و قرارداد اجتماعی تنها ۵۰ درصد راه حل مشکل و مسئله است، شرط کافی وجود قانونگذار و مجریانی است که متعهد به اجرای قانون باشند.

مبارز و مترقی و مؤمن به انقلاب اسلامی زده‌اند تا میدان برای هجوم یکبار به مرکز قدرت ممکن گردد و بدین وسیله به ضدانقلاب و به نیروهای که بوی از تعهد و مسئولیت و شعور و آگاهی سیاسی - مکتبی نبرده‌اند و در جریان مبارزه نبوده‌اند، فرصت و اجازه داده‌اند تا با اشغال موقعیت‌های اجرائی وضع نابسامان کنونی را از نظر اقتصادی - سیاسی - اجتماعی بوجود آورند.

وقتی در دانشگاه که محل تجمع نیرو - های آگاه و روشنفکر جامعه است، نسبت نیروهای وفادار و مومن به انقلاب و پیرو خط امام از ۸۰٪ در اوایل انقلاب به ۲۰٪ در شرایط کنونی تغییر پیدا میکند (به ادعای بهراد نبوی در سمینار امور تربیتی سمنه ۵۹/۱۲/۵۹ در تهران) و مسلمانان در جامعه نیز اگرچه این اندازه اما بهرحال تغییراتی صورت گرفته است، علت‌های اساسی نیز عملکرد هیئت حاکمه نمی‌تواند داشته باشد. نارضایتی‌ها و گرایش به شخصیت‌ها و جریانات انحرافی صرفاً نه از موضع ضد - انقلاب است و نه از روی منافع خاص طبقاتی، وجود این تمایل در اقشار مختلف جامعه با توجه به زیرکی جناح پیچیده لیبرالها و طرح شعارهایی متناسب با نیازها و خواسته‌های جامعه، گویای این واقعیت است که دولت و حزب بعثت ذکر شده خود موجب این امر گشته‌اند.

البته در اینجا نه قصد انکار تفاوت‌های نظام کنونی با نظام قبل را داریم و نه هدف انکار و تلاش نیروهای صادق و مبارزی را که در جهاد و سپاه و دیگر ارگانها با خلوص و ایمان و ایثار انقلابی خود در دفاع از اسلام و حاکمیت انقلاب کوشیده‌اند. آنچه که انقلاب اسلامی نصیب ملت بزرگ ایران کرد، حاصل تلاش و کوشش خود توده‌های مستضعف بود، در پیوند و اتحادی که خلق قهرمان و مبارز و مسلمان ایران تحت رهبری امام پیدا کرد، قادر گشت تا